

فصل 3



فهرست آثار

به ثمره روح

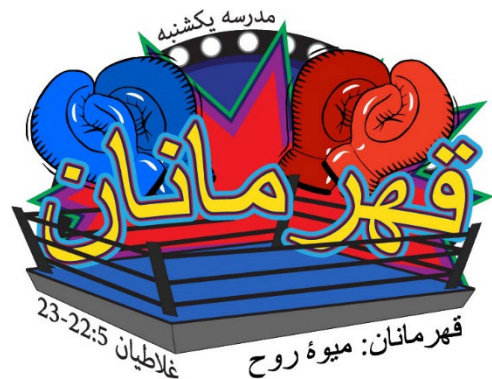
کتاب معلم

برای تمام سنین (4 تا 15 سال)



اساتید محترم

ما دعا می کنیم که خداوند تک تک شما را در خدمت او و خدمت به کودکان در سراسر جهان برکت دهد. شما در حال ایجاد تفاوت، و تغییر زندگی برای ابدیت هستید. سورپرایزی برایتان داریم ممکن است فکر کنید برای معلمی در مدرسه یکشنبه ثبت نام کرده اید، اما شرح شغل شما اکنون به مربی تغییر کرده است! درست است، اما سال ما کتاب مقدس را با موضوع بوکس مطالعه خواهیم کرد و امیدواریم که با ورزش کمی سرگرم شویم. معلم عزیز، همین الان شروع کن! به جای معلم، یک مربی باشید، و این به شما الهامی می باشد تا عمیقاً به هر دانش آموز کلاس خود و پیشرفت آنها در تلاش



برای قهرمان شدن اهمیت دهید.

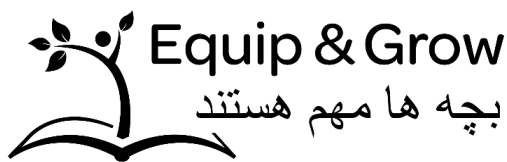
ما میوه روح را مطالعه خواهیم کرد. اگرچه نه تنها به میوه نگاه می کنیم، بلکه به گناهان بسیاری از بدن ما که با میوه روح می جنگند نیز نگاه می کنیم. هدف شما این است که به دانش آموزان خود کمک کنید تا قهرمان شوند. برای انجام این کار، آنها نه تنها باید آیات حافظه را به خاطر بسپارند و داستان های کتاب مقدس را بیاموزند، بلکه باید میوه روح را نیز در زندگی روزمره خود به کار گیرند. این یک چالش بسیار سخت تر برای شما به عنوان مربی است. با استفاده از موضوع بوکس، وقتی دانش آموزان شما در کلاس مدرسه یکشنبه شما هستند، اجازه دهید تصور کنیم که آنها در حال تمرین هستند. آنها در حال تمرین هستند و درباره خدا بیشتر می آموزند و یاد می گیرند که چگونه با گناه مبارزه کنند. بنابراین، کلیسای شما مرکز آموزشی است.

هنگامی که دانش آموزان شما در محیط بیرون هستند، آنها در واقع "در رینگ!" هستند، اینجاست که آنها در واقع با امیال گناه آلود خود مبارزه خواهند کرد. بنابراین، خانه ها و مدارس آنها مسابقات و مسابقات بوکس واقعی است. این به این دلیل است که در کلیسا، همه ما در تظاهر کردن و دادن پاسخ های درست مهارت داریم. لطفاً اجازه ندهید هیچ کودکی فکر کند که به دلیل حفظ کردن یا یادگیری در کلیسا در یک مسابقه پیروز شده است. این یعنی آموزش. دعوی واقعی در زندگی آنهاست. اگر در طول هفته دروس را تمرین کنند، می توانند در مسابقات پیروز شوند.

وظیفه نهایی شما به عنوان مربی آنها این است که به آنها پاداش دهید و در صورت موفقیت آنها را تشویق کنید. چند جوایز را آماده کنید تا بتوانید اهدا کنید. آنها را در آغوش بگیرید یا برای هر "پانچ"، رانند یا مسابقه ای که برنده شده اید یک فریاد تشویقی خاص بدهید. رفتاری که شما پاداش می دهید، رفتاری است که در زمانی که دانش آموزانتان تلاش می کنند شما، مربی خود را راضی نگه دارند، دریافت می کنید.

امیدواریم با پوشیدن لباس مربیگری، تزیین کلاس خود به عنوان یک مرکز آموزشی ورزشی و برگزاری مراسم اهدای جوایز اوقات خوشی را سپری کنید. موفقیت در زندگی از میوه روح، درست مانند ورزش، برای کسانی که مایل به کار سخت تر از هر کس دیگری هستند، حاصل می شود. شما می توانید دانش آموزان خود را تشویق کنید تا سخت کار کنند و قهرمان شوند. فقط زمانی که هیچ کس این کار را نمی کند به آنها ایمان داشته باشید و شاهد معجزه خدا در زندگی آنها باشید! شما می توانید دانش آموزان خود را تشویق کنید تا سخت کار کنند و قهرمان شوند. فقط زمانی که هیچ کس این کار را نمی کند به آنها ایمان داشته باشید و شاهد معجزه خدا در زندگی آنها باشید!

باشد که خداوند ما به شما الهام بخشد، زیرا در این چالش مربیگری شاگردان خود در میوه روح را بر عهده می گیرید. ما دعا می کنیم که تمام محدودیت های معلمان مدرسه یکشنبه را بشکنید و به یک مربی واقعی در زندگی دانش آموزان خود تبدیل شوید. به نام مسیح، خواهر کریستینا



قهرمانان



وفاداری

1 وفاداری در مقابل اسطوره گرایی
داستان کتاب مقدس: کشتی تسخیر شده است
1 سموئیل 5:1-12، 6، 7:3

آیه خاطره
” هیچ مجسمه و یا هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان و یا پایین در زمین و یا در آبهای زیر زمین است، برای خود مساز. “
خروج 20:4۲-۴

2 وفاداری در مقابل بی وفایی
داستان کتاب مقدس: شدرک، مشاخ و ابدنگو
دانیال 3: 21-1

آیه خاطره
” اراده خود را به من بیاموز، من با وفاداری از تو اطاعت خواهم کرد. مرا یاری کن تا با تمام دل و جان تو را خدمت کنم. “
مزامیر 86:11

3 وفاداری در مقابل تردید
داستان کتاب مقدس: خداوند ساموئل را صدا می کند
اول سموئیل 3: 21-1

آیه خاطره
” ایمان، اطمینانی است به چیزهایی که به آن امیدواریم و اعتقادی است به چیزهایی که نمی بینیم.
عبرانیان 11:1



4 وفاداری در مقابل نافرمانی
داستان کتاب مقدس: جاسوسان در کنعان
اعداد 13:1-17، 33-3، 14:11

آیه خاطره
” موسی به آنها گفت: «شما با این کار خود، از فرمان خداوند سرپیچی می کنید، اما موفق نمی شوید. “
اعداد 14:41



5 وفاداری در مقابل خودداری
داستان کتاب مقدس: ابراهیم و اسحاق
پیدایش 22: 1-18

آیه خاطره
” و بدون ایمان محال است که انسان خدا را خشنود سازد، زیرا هرکس به سوی خدا می آید، باید ایمان داشته باشد که او هست و به جویندگان خود پاداش می دهد. “
عبرانیان 11:6



تکالیف خانه (در رینگ بوکس)



در مورد تکلیف هفته گذشته بحث کنید و تکلیف هفته بعد را به دانش آموزان خود بدهید. آنها در کتاب های دانش آموز و روی کارت های مسابقه قرار دارند. به دانش آموزان خود یادآوری کنید که فقط کسانی می توانند قهرمان شوند که تکالیف خود را انجام دهند. هیچ یک از ما با حضور در کلیسا یا حفظ کتاب مقدس قهرمان نمی شویم، اما با زندگی کردن آن میتوانیم! توصیه می کنیم گروه های کوچکی را با مربیان ایجاد کنید تا به دانش آموزان کمک کنید تکالیف خود را پیگیری کنند. (در بخش گروه های کوچک بیشتر را ببینید.) بدیهی است که انجام تکالیف یک بار در هفته آن گناه را "ناک اوت" نمی کند، همانطور که یک ضربه مشت حریف را در بوکس ناک اوت نمی کند. استفاده از این تشبیه برای نشان دادن به دانش آموزان مفید است که اگر واقعاً می خواهند قهرمان شوند، باید در طول هفته "مشت های بیشتری بزنند". از مربیان خود بخواهید تعداد "مشت" های دانش آموزان را در طول هفته پیگیری کنند و رقابت را تشویق کنند. هر "پانچ" نمونه ای است که در آن تکلیف را در طول هفته انجام دادند. برای سرگرم تر کردن پانچها، از این چهار نوع پانچ مختلف استفاده کنید: جب، قلاب، ضربدر و آپرکات.



در رینگ



فعالیتی را انتخاب کنید که در آن شرکت نکند زیرا ممکن است بت پرستی (منظور استاد پرستش بیش از حد و غیرمعقول چیزی است) داشته باشد. ممکن است این یک عادت باشد که کفش‌هایتان را درآوردید، رژه‌ای که در آن شرکت نکنید، یک بازی ورزشی که انتخاب می‌کنید که در آن شرکت نکنید، یا وقتی دیگران گل می‌خورند، گل نخرید.

در رینگ



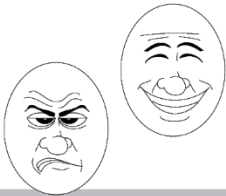
زمانی را در این هفته در نظر بگیرید تا در مدرسه یا جامعه آشکارا بپذیرید که مسیحی هستید و به عیسی مسیح ایمان دارید. پس از آن، با وجود هر فشاری که همسالان داشتید، با یک مهمانی کوچک از وفادار بودن خود خوشحال باشید.

در رینگ



از خدا بخواهید که در این هفته با شما صحبت کند و کاری را انجام دهد. اطاعت را بلافاصله و بدون تردید تمرین کنید. اگر فراموش کردی و صبر کردی، از خدا تکلیف دیگری بخواه.

در رینگ



دو تکلیف از طرف خدا برای انجام این هفته انتخاب کنید. اول چیزی است که خدا از شما خواسته که انجام ندهید، و دیگری چیزی است که خدا از شما خواسته است. در هر دو مورد از خدا اطاعت کنید تا در مقابل نافرمانی پیروز شوید.

در رینگ



آیا چیزی وجود دارد که خدا از شما می‌خواهد که این هفته از آن دست بکشید؟ لحظه‌ای به این فکر کنید که آن چیست، و سپس دعا کنید که خدا به شما قدرت دهد تا موقتاً آن را رها کنید. این می‌تواند چای، فیس بوک یا یک غذای مورد علاقه باشد. برای برنده شدن در این مبارزه، انتخاب کنید که آن مورد را در تمام طول هفته کنار بگذارید.

کارت های مسابقه

پاداش حضور و غیاب را با کارتی که مبارزه مسابقه هفته روی آن است، به دانش‌آموز برتر بدهید. دانش‌آموزان خود را تشویق کنید تا در تمام سال شرکت کنند و تمام کارت‌ها را جمع‌آوری کنید! این کارت‌ها برای دانلود و چاپ بسیار مقرون به صرفه در دسترس هستند. همچنین می‌توانید از کارت‌ها برای انجام یک بازی حافظه استفاده کنید و تکالیف هر گناه را مطابقت دهید.



6

وفاداری در مقابل غیرقابل اعتماد بودن

داستان کتاب مقدس: نوح و کشتی
پیدایش 5:32، 12-7:1، 22-6:1



آیه خاطره

”ممکن است کسی بگوید: «تو ایمان داری و من کارهای نیکو. تو به من ثابت کن چگونه می‌توانی بدون کارهای نیک ایمان داشته باشی و من ایمان خود را به وسیله کارهای خویش به تو ثابت می‌کنم.» یعقوب 2:18

7

وفاداری در مقابل شک

داستان کتاب مقدس: عیسی به توماس ظاهر می‌شود
یوحنا 20:24-31



آیه خاطره

”عیسی گفت: «آیا تو به‌خاطر اینکه مرا دیده‌ای ایمان آوردی؟ خوشا به حال کسانی که مرا ندیده‌اند و ایمان می‌آورند.» یوحنا 20:29

8

ملاطمت در مقابل اختلاف

داستان کتاب مقدس: ابراهیم و لوط از هم جدا شدند
پیدایش 18-13:1



آیه خاطره

”همیشه فروتن، ملاطمت و بردبار باشید و با محبت یکدیگر را تحمل کنید.“
افسیسیان 4:2

9

ملاطمت در مقابل سنت‌ها

داستان کتاب مقدس: پاک و ناپاک
متی 20-15:1



آیه خاطره

”یهودیان یا یونانیان یا کلیسای خدا را نرنجانید. همان کاری را بکنید که من می‌کنم: من سعی می‌کنم تمام مردم را در هر امری خوشنود سازم و در فکر خود نیستم بلکه در فکر منفعت عموم هستم تا ایشان نجات یابند“ اول قرنتیان 10:32-33

10

ملاطمت در مقابل تلخی

داستان کتاب مقدس: قابیل و هابیل
پیدایش 4:1-16



آیه خاطره

”از این پس دیگر هیچ نوع بغض، غیظ، خشم، داد و فریاد، دشنام و نفرت را در میان خود راه ندهید.“ افسسیان 4:31

11

خودکنترلی در مقابل وسوسه‌ها

داستان کتاب مقدس: عیسی وسوسه شده است
متی 4:1-11



آیه خاطره

”وسوسه‌هایی است که برای تمام مردم پیش می‌آید، اما خدا به وعده‌های خود وفا می‌کند و نمی‌گذارد شما بیش از توانایی خود وسوسه شوید. خدا همراه با هر وسوسه‌ای راهی هم برای فرار از آن فراهم می‌کند تا بتوانید در مقابل آن پایداری کنید.“ 1 اول قرنتیان 10:13

12

خودکنترلی در مقابل دروغگویی

داستان کتاب مقدس: یعقوب برکت عیسو را می‌دزد
پیدایش 36-27:1



آیه خاطره

”زبان دروغگو از مخاطبانش نفرت دارد و می‌خواهد به آنها آسیب برساند. سخنان ریاکار چیزی جز خرابی به بار نمی‌آورد.“
امثال 26:28

13

خودکنترلی در مقابل تنبلی

داستان کتاب مقدس: سازندگان عاقل و احمق
متی 27-7:24



آیه خاطره

”بنابراین کسی که بداند نیکی چیست و نیکی نکند، گناه کرده است.“
یعقوب 4:17

در رینگ



بازه ای از زندگی خود را انتخاب کنید که مورد اعتماد خداوند باشید. در این هفته یک روز کاری را برای خدا انتخاب کنید و مطمئن باشید که در آن قابل اعتماد هستید. پس از اتمام، وعده دیگری را برای یک روز به خدا انتخاب کنید و تعیین کنید چه روزی آن را انجام دهید. حتماً به قولت عمل کن

در رینگ



انتخاب کنید که این هفته به خدا در مورد چیزی که به شما وعده داده و غیرممکن به نظر می رسد ایمان داشته باشید. به خدا بگویید حاضرید صبر کنید تا او به وعده خود عمل کند. برای نشان دادن تمایل خود به صبر، در هر صفتی که نیازی به بودن ندارد، بروید! بنویسید چند دقیقه در صف منتظر ماندید تا بتوانید آن را به مربی خود گزارش دهید.

در رینگ



وقتی بر سر چیزی اختلاف نظر دارید، اجازه دهید شخص دیگری برنده شود. شما می توانید مخالفت خود را انتخاب کنید، اما باید خود را از مبارزه با آنها بر سر این موضوع باز دارید. به آنها اجازه دهید نظر خود را داشته باشند.

در رینگ



مهربانی با کسی را به جای یکی از سنت های خود انتخاب کنید. این می تواند به معنای درک زمانی باشد که آنها سنت شما را زیر پا می گذارند و در مورد آن اظهار نظر نمی کنند. مطمئن شوید که به کسی صدمه نزنید، یا با این تکلیف توجه خود را جلب کنید.

در رینگ



کسی را انتخاب کنید که از او عصبانی هستید و او را ببخشید. لحظه ای به دعا بپرداز و با صدای بلند بگویید: «تو را می بخشم».

در رینگ



در برابر یک وسوسه مقاومت کنید، و اگر می توانید، مانند عیسی از کتاب مقدس استفاده کنید. کنترل خواسته های خود را حفظ کنید و به خود اجازه ندهید که تسلیم آن وسوسه شوید.

در رینگ



همه دروغ می گویند، حتی اگر برخی فقط کمی دروغ گفته باشند. به دروغی که امسال گفته اید برگردید و فکر کنید. پیش آن شخص بروید، حقیقت را به او بگویید و به او بگویید که از دروغ گفتن متاسفید.

در رینگ



با انتخاب کاری که نمی خواهید انجام دهید، با تنبلی خود در این هفته مبارزه کنید. حتماً آن را کامل کنید و شهادت خود را با یک دوست به اشتراک بگذارید.

نحوه استفاده از این ماده

برنامه زمانی

آهنگ و درام - 30 دقیقه

درس اصلی و کتاب های دانش آموزان - 30 دقیقه

تکالیف و بازی حافظه آیه ای - 30 دقیقه

پرسش و پاسخ و کارت حضور - انتخاب. 30 دقیقه



موسیقی

کلاس خود را با خواندن آهنگ های جدید شروع کنید و همه را به حرکت درآورید. آهنگ ها را از وب سایت ما دانلود کنید و حرکات یا رقص های نمایش داده شده در فیلم ها را یاد بگیرید.



نمایش

برای یک درام مفرح هر هفته، دو بازیگر دو شخصیتی باشند که هر هفته از آنها استفاده می کنید: ویلی عاقل و فرد احمق. (می توانید نام آنها را به دلخواه تغییر دهید.) پیش نمایش درس را مشاهده کنید، و ایده های نمایشی را برای مطابقت با برنامه درسی گسترش دهید و چشمان کودکان را باز کنید تا خود را در داستان کتاب مقدس ببینند. استفاده از همان دو بازیگر در هر هفته باعث می شود درام ها با زندگی ارتباط بهتری داشته باشند و با آشنایی با **Wise Willie** و **Foolish Fred**، سال سرگرم کننده تر می شود. برای آنها لباس هایی بسازید که به راحتی در کلیسا گذاشته می شوند و به سرعت می پوشند. (به عنوان مثال فقط یک کلاه و یک عینک.)



درس اصلی

پس از معرفی درس، به داستان کتاب مقدس بروید. لطفاً مرجع کتاب مقدس را جستجو کنید تا داستان کامل کتاب مقدس را بیابید، زیرا به طور کامل در این راهنما چاپ نشده است. پس از یادگیری داستان کتاب مقدس، مطمئن شوید که درس اصلی را با برنامه کاربردی زندگی پوشش دهید. در پایان درس، آیه خاطره را بخوانید و با دانش آموزان خود دعا کنید.



کتاب های دانش آموز یا فتوکپی هر صفحه درسی را به آنها بدهید. به دانش آموزانی که با معماها دست و پنجه نرم می‌کنند، کمک کنید، زیرا کتاب‌های یکشنبه‌ها نباید دشوار، بلکه باید سرگرم‌کننده باشند. همچنین می‌توانید از دانش آموزان بخواهید چیزهایی را روی صفحات خود بچسبانند. برای دانش آموزان جوان‌تر، با اشیاء می‌توانند صفحه رنگ‌آمیزی خود را تزئین کنند، مانند برنج، توپ‌های پنبه‌ای، رشته فرنگی یا رنگ. برای دانش آموزان بزرگتر، کتاب‌هایشان می‌تواند مانند یادداشتهای روزانه، چسباندن بلیت‌های مترو، سکه‌ها، کرک‌های جیبی یا اشیایی باشد که آنها را به یاد تکلیف خانه می‌اندازد.



تکالیف خانه (در رینگ بوکس)

در مورد تکلیف هفته گذشته بحث کنید و تکلیف هفته بعد را به دانش آموزان خود بدهید. آنها در کتاب های دانش آموز و روی کارت های مسابقه قرار دارند. به دانش آموزان خود یادآوری کنید که فقط کسانی می‌توانند قهرمان شوند که تکالیف خود را انجام دهند. هیچ یک از ما با حضور در کلیسا یا حفظ کتاب مقدس قهرمان نمی‌شویم، اما با زندگی کردن آن میتوانیم! توصیه می‌کنیم گروه های کوچکی را با مربیان ایجاد کنید تا به دانش آموزان کمک کنید تکالیف خود را پیگیری کنند. (در بخش گروه های کوچک بیشتر را ببینید.) بدیهی است که انجام تکالیف یک بار در هفته آن گناه را "ناک اوت" نمی‌کند، همانطور که یک ضربه مشت حریف را در بوکس ناک اوت نمی‌کند. استفاده از این تشبیه برای نشان دادن به دانش آموزان مفید است که اگر واقعاً می‌خواهند قهرمان شوند، باید در طول هفته "مشت های بیشتری بزنند". از مربیان خود بخواهید تعداد "مشت" های دانش آموزان را در طول هفته پیگیری کنند و رقابت را تشویق کنند. هر "پانچ" نمونه ای است که در آن تکلیف را در طول هفته انجام دادند. برای سرگرم‌تر کردن پانچ‌ها، از این چهار نوع پانچ مختلف استفاده کنید: جب، قلاب، ضربدر و آپرکات.

بازی آیه خاطره

بازی های این برنامه همگی برای یادگیری آیه خاطره هفته است. از بازی های ارائه شده استفاده کنید یا به دانش آموزان خود اجازه دهید تا بازی مورد علاقه خود را برای انجام هر هفته انتخاب کنند. هر چیزی که ممکن است برای بازی نیاز داشته باشید از قبل آماده کنید.

پرسش و پاسخ (برای دانش آموزان بزرگتر)

برای برانگیختن بحث با دانش آموزان در هر درس سه سوال ارائه شده است. آنها برای کتاب‌های دانش‌آموز پیشرفته (سنین 13 تا 15 سال) هستند، اما می‌توانید آنها را با سنین دیگر امتحان کنید تا ببینید آیا باعث ایجاد بحث می‌شوند. ایده این است که دانش آموزان خود را وادار به تفکر کنید. برای اینکه این کار عملی شود، بسیار مهم است که بلافاصله به آنها پاسخ ندهید. هرچه بیشتر در مورد یک موضوع دعوا کنند، بیشتر فکر می‌کنند و شما به عنوان یک معلم بهتر عمل می‌کنید. اگر آنها در مورد یکی از موضوعات وارد یک مشاجره لفظی واقعی شوند، شما عالی هستید! اگر دانش آموزان شما به سرعت در یک طرف بحث قرار گرفتند، سعی کنید طرف دیگر را مطرح کنید و آنها را به فکر و صحبت وادار کنید.

پاداش حضور و غیاب را با کارتی که مبارزه مسابقه هفته روی آن است، به دانش آموز برتر بدهید. دانش آموزان خود را تشویق کنید تا در تمام سال شرکت کنند و تمام کارت ها را جمع آوری کنید! این کارت ها برای دانلود و چاپ بسیار مقرون به صرفه در دسترس هستند. همچنین می‌توانید از کارت‌ها برای انجام یک بازی حافظه استفاده کنید و تکالیف هر گناه را مطابقت دهید.

مربیان

گروه های کوچک

گروه های کوچک 3-7 کودک ایجاد کنید. هر گروه کوچک به یک مربی نیاز دارد. نیازی نیست که مربیان هر هفته در کلاس حاضر شوند، بلکه باید هر هفته با شاگردان یا "ورزشکاران" خود چک کنند. یکی از رهبران اصلی خود را به عنوان سرمربی و سازماندهی و الهام بخشیدن به همه مربیان اختصاص دهید.

کلاس خود را به گروه های کوچک تقسیم کنید تا به دانش آموزان خود کمک کنید تا در طول هفته تکالیف را انجام دهند. اکثر برنامه های مدرسه یکشنبه در کلیسا هستند و نیازی به تکالیف در طول هفته ندارند. با این حال، دانش آموزان شما نمی‌توانند گناه را در زندگی خود با یادگیری در مورد آن "ناک" کنند. آنها باید در واقع "در رینگ" را دریافت کنند و با گناه واقعی که در طول هفته با آن روبرو هستند مبارزه کنند. صادقانه بگویم، بدون اینکه کسی آنها را بررسی کند، انجام این کار تقریباً غیرممکن خواهد بود. لطفاً "به قول آنها اعتماد نکنید" و وقتی دانش آموزان می‌گویند که یک تکلیف را انجام داده اند بپذیرید. اگر در مورد این برنامه سست شوید، به دانش آموزان خود آموزش می‌دهید که به شما دروغ بگویند. با این حال، فقط با من تصور کنید که اگر واقعاً بتوانید شاگردان خود را مربیگری کنید و پیگیری کنید که آنها تکالیف خود را انجام می‌دهند، تغییر واقعی در زندگی آنها خواهید دید. فقط در 1 سال، شما می‌توانید زندگی آنها را تغییر دهید! دانش آموزان شما میوه روح را حفظ نمی‌کنند، بلکه در واقع یاد می‌گیرند که آن را زندگی کنند! برای تسهیل این گروه های کوچک، ما یک جزوه برای مربیان شما و یک کتاب کوچک برای سرمربی شما ایجاد کرده ایم. جزوه های مربی برای هر ماه و هر ثمره روحی است. سرمربی یک کتاب کوچک با تکالیف یونیت کامل 3 ماهه دارد.

مسئولیت های مربیان

مربیان:

- مربی 3-5 کودک باشید.
- هر هفته 5 دقیقه قبل و بعد از کلاس با دانش آموزان ملاقات کنید تا در مورد تکالیف بحث کنید و آنها را تشویق کنید که قهرمان شوند.
- هر هفته با دانش آموزان تماس بگیرید/ پیامک ارسال کنید تا تکالیف را به آنها یادآوری کنید. (روز پیشنهاد شده=سه شنبه)
- برای بار دوم هر هفته با دانش آموزان تماس بگیرید/ پیامک ارسال کنید تا گزارش انجام تکالیف را دریافت کنید. (روز پیشنهاد شده=جمعه)
- تکالیف انجام شده برای کودکان را در گروه کوچک پیگیری کنید و هر هفته به سرمربی گزارش دهید.

سرمربی:

- هر هفته 5 دقیقه قبل از کلاس با همه مربیان ملاقات کنید تا در مورد تکالیف بحث کنید و آنها را تشویق کنید تا با وفاداری به دانش آموزان خود مربیگری کنند.
- هر هفته با مربیان تماس بگیرید تا تکالیف را به آنها یادآوری کنید. (روز پیشنهاد شده=سه شنبه)
- برای بار دوم هر هفته با مربیان تماس بگیرید/ پیامک ارسال کنید تا گزارشی از تکالیف انجام شود. (روز پیشنهاد شده=جمعه)

- پیگیری تکالیف انجام شده برای همه دانش آموزان.
- برگزاری جلسات الهام بخش ماهانه برای مربیان و خانواده های آنها.



جذب نیرو/ استخدام

- ممکن است جذب رهبران بیشتر به عنوان یک چالش به نظر برسد تا مربیان کافی برای گروه های کوچک داشته باشید. با این حال، لازم نیست که این کار چندان دشوار باشد. در اینجا چند ایده برای آسان کردن یافتن مربی وجود دارد:
- از مربیان بخواهید که فقط 1 ماه خدمت کنند. هر ماه یک میوه از روح را پوشش می دهد. هنگامی که از بزرگسالان برای تعهدشان درخواست می کنید، اگر فقط یک ماه زمان بخواهید، بسیاری مایل به ثبت نام هستند. بعد از ماه اول، اگر آن را آسان و سرگرم کننده کنید، آنها می خواهند دوباره ثبت نام کنند!
- به مربیان اجازه دهید تا طبق معمول در کلیسا حاضر شوند، اما 10 دقیقه زودتر در کلیسا حاضر شوند تا با دانش آموزان خود ملاقات کنند. مربیان شما می توانند فقط یک بار در طول ماه در کلاس مدرسه یکشنبه شما شرکت کنند و هفته های دیگر به طور معمول با بزرگسالان در کلیسا شرکت می کنند.
- به جای تماس به دانش آموزان پیامک دهید. به مربیان خود کمک کنید تا متن های خودکار را برای کل ماه تنظیم کنند تا بتوانند به راحتی با دانش آموزان خود در تماس باشند. فراموش نکنید که به جای تماس های سنتی، می توانید از حساب های فیس بوک، توئیتر، واتس اپ و غیره نیز استفاده کنید.
- مکانی در کلیسا برای مربیان ایجاد کنید تا چند مورد را ذخیره کنند. برای اینکه "اسپرت" به نظر برسند، مربیان شما می توانند کلاه ورزشی بپوشند یا سوت و بطری آب داشته باشند. به جای اینکه مجبور باشید هر هفته را برای آوردن این وسایل به خاطر بسپارید، اجازه دهید آنها را در کلیسا نگه دارند. به این ترتیب مربیان شما می توانند لباس های کلیسایی معمولی خود را بپوشند و فقط چند آیتم "ورزشی" را بپوشند تا شبیه مربی شوند.
- جلسه ماهانه مربیان را بسیار الهام بخش کنید، به طوری که آنها بخواهند در طول سال به شرکت در برنامه ادامه دهند.
- در صورت لزوم به گروه های بزرگتر اجازه دهید. (با کمک اعلان های گروهی در فیس بوک، مربیگری 10 دانش آموز برای کسی کار چندان سختی نخواهد بود).



جلسات الهام بخش

وظیفه اصلی سرمربی این است که مربیان را با انگیزه نگه دارد. یکی از راه های مهم برای انجام این کار، میزبانی یک جلسه الهام بخش ماهانه است. می توانید یک وعده غذایی تهیه کنید، با هم دعا کنید، به داده های ورزشی نگاه کنید و ببینید که چگونه می تواند در زندگی مسیحی ما اعمال شود. علاوه بر این، می توانید ورزشکاران المپیک را بررسی کنید یا یک فیلم ورزشی الهام بخش را همراه با ذرت بو داده یا سایر غذاهای خوشمزه تماشا کنید. با مربیان خود در مورد این ایده صحبت کنید که اگر ارزش آن را داشت که ورزشکاران سخت کار کنند، آیا ارزش این را ندارد که ما برای منفعت معنوی و ابدی تلاش کنیم؟



مراسم اهدای جوایز

بخش بسیار مهم مربی بودن این است که به شاگردان خود کمک کنید احساس برنده بودن کنند. این بدان معنی است که شما باید تعریف کنید که به دنبال چه رفتاری هستید و به آن رفتار پاداش دهید. توصیه می کنیم وقتی دانش آموزان تکالیف خود را انجام دادند و در طول هفته درس را عملی کردند، به آنها پاداش بدهید. حضور و غیاب و حفظ "آموزش" است و انجام تکالیف در طول هفته در واقع رقابت خواهد بود. دانش آموزان خود را تشویق کنید که اگر

می خواهند برنده شوند، آموزش بسیار مهم است. با این حال، رقابت در دنیای واقعی جایی است که آنها واقعاً برنده می شوند.

یک ایده این است که در پایان هر ماه، هنگامی که مطالعه هر میوه روح را به پایان می رسانید، مراسم جایزه ای برگزار کنید. مثلاً LOVE 5 هفته مطالعه دارد. کسانی که این تکلیف را حداقل 3 هفته انجام داده اند مدال برنز، 4 هفته نقره و 5 هفته مدال طلا را کسب کنند. می‌توانید نحوه کسب مدالها را پس از ماه اول تنظیم کنید، زیرا برخی از روستاها یا مناطق شهر نسبت به سایرین به تکالیف چالش‌برانگیزتری نیاز دارند. برخی از مناطق بشارتی تر خواهند بود و شما به تکالیف آسان‌تری نیاز خواهید داشت تا آنها تشویق شوند و بخواهند به کلاس شما ادامه دهند.

در پایان سال، برای کسانی که چندین جایزه در طول سال برنده شده اند، یک جایزه بزرگتر داشته باشید. این می‌تواند یک جام یا یک مدال زیباتر باشد. جوایز را با دادن آنها به دانش‌آموزان خود روی صحنه در مقابل بزرگسالان در کلیسا خاص تر کنید!

در رینگ

فعالیتی را انتخاب کنید که در آن شرکت نکنید زیرا ممکن است بت پرستی (منظور استاد پرستش بیش از حد و غیرمعقول چیزی است) داشته باشد. ممکن است این یک عادت باشد که کفش‌هایتان را درآورید، رژه‌ای که در آن شرکت نکنید، یک بازی ورزشی که انتخاب می‌کنید که در آن شرکت نکنید، یا وقتی دیگران گل می‌خرند، گل نخرید.



درس یک

وفاداری در مقابل اسطوره گرایی

داستان کتاب مقدس: کشتی تسخیر شده است

1 سموئیل 5:1-12، 6، 7:3

نمایشنامه 1

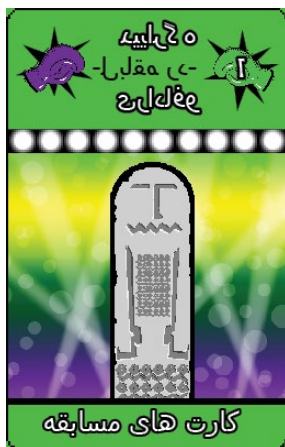
ویلی عاقل و فرد احمق دارند فوتبال بازی می کنند و فرد یک گل می زند. او آنقدر هیجان زده است که کفش و جوراب تنیس خود را در می آورد. او آن را می بوسد و می گوید: «مرسی، جوراب خوش شانسی! بدون تو گل نمیزدم!!!»

آیه خاطره 1

هیچ مجسمه و یا هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان و یا پایین در زمین و یا در آبهای زیر زمین است، برای خود مساز

خروج 20:4

درس اصلی 1



به بخش 3 "قهرمانان با میوه روح!" ما این واحد را با ثمره روح "وفاداری" آغاز می کنیم. کلمه یونانی غلاطیان 5:22 معانی زیادی دارد، از جمله ایمان، ایمان، اعتماد، اطمینان، وفاداری و وفاداری. برخی از ترجمه های کتاب مقدس در این آیه از «ایمان» استفاده می کنند و برخی دیگر از «وفاداری» استفاده می کنند. همانطور که مطالعه می کردم، متوجه شدم که کلمه "وفاداری" به طور گسترده در کتاب مقدس به کار رفته است، و بزرگترین استفاده ما "وفاداری" ما به خدا بود. از آنجایی که ایمان موضوع بسیار بزرگی است، ما 7 هفته را صرف آن خواهیم کرد، و از آنجایی که کتاب مقدس به طور مکرر "وفاداری" را پوشش می دهد، ما به مدت 5 هفته به این موضوع خواهیم پرداخت. مبارزه امروز وفاداری در برابر اسطوره گرایی است، اولین و شاید مهم ترین حمله به ایمان و وفاداری ما به خدا. 10 فرمان (خروج 20: 1-6) با این دو فرمان آغاز می شود:

1) جز من خدای دیگری نخواهید داشت، 2) بتی برای پرستش نسازید. در پایان آیه 6 خداوند به این نکته اشاره می کند که او خدایی حسود است و چقدر برای او مهم است که ما او را دوست داشته باشیم و احکامش را حفظ کنیم. در داستان امروز کتاب مقدس، فلسطینیان صندوق عهد را دزدیدند و آن را در کنار بت خود داگون قرار دادند. صبح، بت خود را بر روی صورتش سرنگون شده پیدا کردند! آنها بت خود را در حالت ایستاده قرار دادند، اما صبح روز بعد، او دوباره سرنگون شد و سر و دستانش شکسته شد! خداوند نیز مردم را با غده و موش مجازات کرد. (لطفاً بیشتر داستان را از کتاب مقدس جستجو کنید.)

در سرتاسر دنیا مکان هایی وجود دارد که ساختن بت در آنها رایج است. آنها از چوب، سنگ یا حتی کاغذ ساخته می شوند. به آنها رژه، مراسم، شمع، مرخصی کار و جشن می دهند. بعضی جاها بت هایی دارند که آنقدر با کتاب مقدس بیگانه هستند که بدیهی است که نباید آنها را پرستش کنیم. بت های دیگر از کتاب مقدس ساخته شده اند، حتی بت های خود عیسی، و

بنابراین سخت است که بدانیم چه باید کرد. خداوند در 10 فرمان برای ما روشن می کند که او نمی خواهد ما هیچ بتی را بپرستیم.

جاهای دیگری در سرتاسر دنیا وجود دارد که بت ها در آن ها اصلاً رایج نیستند. در این کشورها، ما تمایل داریم برای خود بت های پنهان دیگری بسازیم. مانند ورزش، تلویزیون یا واعظان معروف.

بت پرستی به هر شکلی که باشد گناه در حق خداوند است. او تمام قلب ما را می خواهد. بهترین مثالی که می توانم به آن فکر کنم، پیمان ازدواج است. اگر یک تازه عروس به شوهرش بی احترامی کند و با هر مردی که می خواهد بدود، در شهر، روستا یا شهر شما چگونه به نظر می رسد که همه آن ها را ببینند؟ وحشتناک خواهد بود!

همینطور اگر خدایان دیگر را در بت های مختلف تعقیب کنیم، مانند آن عروسی هستیم که به شوهرش بی احترامی می کند. اول و مهمتر از همه، در راهپیمایی مسیحی خود، باید عروسی وفادار برای مسیح باشیم. این بدان معناست که هیچ بتی وجود ندارد، و علناً از شرکت در چیزی که خدای ما را بی حرمتی می کند خودداری می کنیم.

حتی اگر ما بت خود عیسی را می پرستیم، اشکالی ندارد. عروس نباید بت شوهرش را بپرستد، بلکه باید از بودن در کنار همسرش لذت ببرد، از معاشرت با او و احترام به او در مقابل دیگران لذت ببرد.

در برخی کشورها، شرکت نکردن در رژه بت ها حتی می تواند جان ما را به خطر بیندازد! در کشورهای دیگر، وفاداری بسیار آسان است، زیرا هیچ کس به بت ها اهمیت نمی دهد. در هر صورت، برای خدا بسیار مهم است و او می تواند اعمال ما را ببیند. آیا حاضرید اولین قدم را برای وفاداری به خدا بردارید؟ آیا می توانید متعهد شوید که به خدا وفادار باشید و با این گناه بت پرستی مبارزه کنید؟

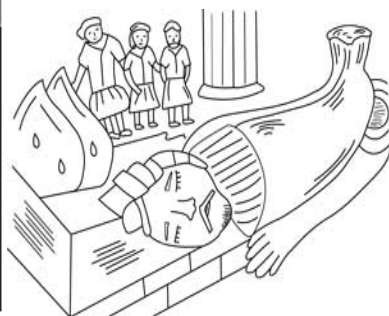
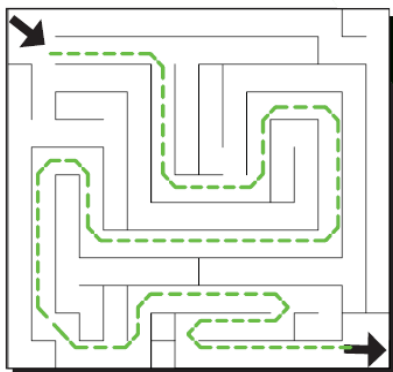
بازی آیه خاطره 1



نقل قول اگر شما...

اگر امروز صبح صبحانه خوردی، دیشب حمام کردی، چشمان قهوه ای، مثل کلم بروکلی، امروز رختخوابت را مرتب کردی، خواهری داری، قرمز پوشیده ای و غیره، این را نقل کن. آیه چندین بار برای کمک به کودکان در حفظ کردن آن.

جواب پازل 1



ع	س	ن	گ	ت	ی	ا	ر	گ	ه	ر	و	ط	س	ا
ب	ت	م	ا	ر	ت	ح	ا	و	ر	ا	خ	ت	ف	ا
ا	و	ق	ف	ا	ی	ه	ق	ا	ث	ی	م	ن	ت	د
د	گ	و	د	ف	و	ی	ش	ف	و	ف	ا	ف	خ	و
ت	ن	ا	ه	ی	ی	ر	ه	ت	ف	گ	ف	ه	ف	ر
س	ف	س	ت	ف	ع	ت	ا	ر	و	ت	س	د	ع	و
و	ت	ش	ر	ی	ف	ا	ت	گ	ف	و	ن	ف	ت	م
ن	ا	ی	ن	ی	ط	س	ل	ف	ت	ن	و	گ	ا	د
ن	د	ش	ن	و	گ	ن	ر	س	و	ف	ا	د	ا	ر

- وفاداری - تقوا - اسطوره گرایی - عبادت - خدا - فلسطینیان - عرش - میثاق - داگون - سرنگون شد - دستورات - تشریفات - شمع ها
شهرت - وفاداری - افتخار و احترام

اگر پدر و مادر من در خانه ما بت داشته باشند چه؟

خدا ما را مسئول اعمال خود می داند و می داند که والدین ما تحت اختیار ما نیستند. بنابراین، ما موظفیم که با بت ها نماز نخوانیم و در عبادت آنها شرکت نکنیم، اما مسئولیتی نداریم که از شر بتی که متعلق به دیگری است خلاص شویم. با این حال، گاهی اوقات، خداوند از ما می خواهد که با والدین خود مقابله کنیم، یا حتی یک بت را از بین ببریم. با این حال، در بسیاری از موارد، آنها فقط دیگری را خریداری می کنند، زیرا ما نمی توانیم تغییر قلب را مجبور کنیم.

آیا فرد مشهوری در جامعه شما وجود دارد که مردم او را بت کنند؟

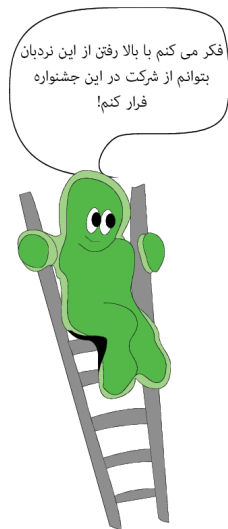
برای دانش آموزان وقت بگذارید تا درباره افراد مشهور سینما، فرقه کلیسایتان، سیاستمداران یا افراد ثروتمند جامعه صحبت کنند. بحث کنید که چگونه آنها نیز فقط انسان هستند.

چه جشن هایی در شهر یا جامعه شما برای پرستش بت ها برگزار می شود؟

وقتی در جامعه ای بزرگ می شویم که جشنواره های منظمی برای بتها دارد، می توانیم به آنها عادت کنیم، که حتی متوجه نمی شویم که شرکت کردن، بی وفایی به خداست! در مورد اینکه چه رژه ها، مهمانی ها، شمع ها، کنش ها یا جشنواره هایی در شهر شما وجود دارد و به چه معنا هستند، بحث کنید.

در رینگ 1

فعالیتی را که ممکن است در آن بت پرستی داشته باشد شرکت نکنید. زیرا ممکن است رسم باشد که کفش های خود را در آورید، رژه ای که در آن شرکت نکنید، یک بازی ورزشی که در آن شرکت نمی کنید یا گل خرید وقتی دیگران گل میخرند.





درس دو

وفاداری در مقابل بی وفایی

داستان کتاب مقدس: شدرک، مشاخ و ابدنگو

دانیال 3: 1-21

نمایشنامه 2

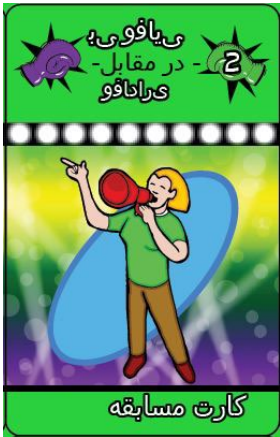
در یک جشن تولد، ویلی هوشیار و فرد احمق در حال بازی کردن با دیگران هستند که دست در دست هم یک دایره تشکیل داده اند. شخصی می گوید: «دایره های سه نفره» و بچه ها دوباره در حلقه های سه نفره جمع می شوند. یکی می گوید «دایره های پنج تایی» و دوباره جمع می شوند. در هر مورد افراد اضافی که نمی توانند اندازه صحیح گروه را تشکیل دهند از بازی خارج می شوند. ویلی و فرد همیشه در یک گروه بوده اند، اما وقتی گروه ها به سه نفر می رسند، فرد به گروهی متفاوت از ویلی می رود و ویلی را بدون دوستش رها می کند.

آیه خاطره 2

”اراده خود را به من بیاموز، من با وفاداری از تو اطاعت خواهم کرد. مرا یاری کن تا با تمام دل و جان تو را خدمت کنم“

مزامیر 86:11

درس اصلی 2



مبارزه مسابقه ما در این هفته وفاداری در برابر بی وفایی است. برای خدا بسیار مهم است که ما به او وفادار باشیم، و این بخش بزرگی از یک مسیحی وفادار است. وفاداری ارتباط زیادی با اعتماد نیز دارد. وقتی در مدرسه به دوستان وفادار هستیم، به این معنی است که آنها می توانند به ما اعتماد کنند تا اسرار آنها را حفظ کنیم، از آنها دفاع کنیم و همیشه در کنار آنها باشیم، چه حضور داشته باشند یا نه.

سختی زمانی به وجود می آید که با فشار همسالان مواجه می شویم. وقتی دیگران ما را تحت فشار قرار می دهند تا نگرشها، ارزشها یا رفتارهایمان را تغییر دهیم تا با گروه سازگار شویم، ما تحت فشار همسالان هستیم. زمانی که در مدرسه یا محله با فشار غیرقابل باور همسالان دیگران روبرو می شویم، ثابت ماندن در وفاداری به خدا می تواند بسیار دشوار باشد. آنها ممکن است از ما بخواهند که با شخص دیگری نامهربان باشیم، یا ممکن است از ما بخواهند که بگوییم به خدایان دیگر اعتقاد داریم در حالی که ما اینگونه نیستیم.

وفاداری به خدا به این معناست که او می تواند به ما اعتماد کند، صرف نظر از فشار اطراف ما. یعنی ما فارغ از شرایط برای خدا هستیم. وقتی ما وفادار باشیم، هیچ چیزی که مردم می گویند باعث نمی شود در مدرسه، بازی یا در همسایگی عیسی مسیح یا خدا را انکار کنیم.

در داستان امروز کتاب مقدس، ما می بینیم که شدراک، میشاخ و عابدنگو با فشار باورنکردنی همتایان خود مواجه می شوند تا در برابر تصویر طلایی که پادشاه ساخته بود تعظیم کنند.

اعلام شد که هرکس تعظیم نکند در کوره آتش افکنده خواهد شد! آنها باید فشار باورنکردنی را از اطرافیان خود احساس می کردند. اما آنها ترجیح دادند که تسلیم فشار نشوند، حتی اگر به معنای مرگ قطعی بود. آنها صرف نظر از میزان هشدارها و تهدیدهای جانی خود، ترجیح دادند به خدا وفادار بمانند. آنها حاضر به تعظیم نشدند.

شاه به شدت عصبانی شد و آنها را در کوره انداخت! کوره آنقدر داغ بود که مردانی را که شدرک، مشاک و عبدنغو را به داخل کوره انداختند، کشت. پادشاه از آنچه دید شگفت زده شد، زیرا با وجود اینکه تنها 3 مرد را به داخل کوره انداخته بود، اکنون می توانست 4 مرد را ببیند که زنده در داخل کوره راه می روند! شاه دستور داد بیرون بیایند و وقتی بیرون آمدند بوی آتش بر آنها نبود. پادشاه با دیدن این، خدای آنها را که آنها را از آتش حفظ کرده بود ستایش کرد!

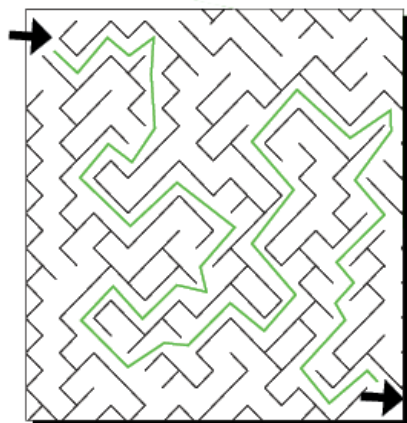
در برخی از کشورها، حتی امروزه، مردم زمانی که علناً مسیحی بودن خود را اعلام می کنند، با مرگ مواجه می شوند. اما برای کسانی که در کشورهایی با آزادی مذهبی بیشتری زندگی می کنند، زمانی که فشار شدید همسالان وجود دارد، اعتراف به مسیحی بودن در عموم ممکن است دشوار باشد. اگر می خواهیم در این نبرد علیه بی وفاداری پیروز شویم، باید بدون در نظر گرفتن هزینه اش، مایل باشیم به خدا و خداوندمان عیسی مسیح وفادار باشیم.

2 بازی آیه خاطره

حروف الفبا

کلاس را به دو یا سه گروه تقسیم کنید و به هر گروه یک فنجان غلات الفبا یا پاستا بدهید. از کودکان بخواهید که از حروف برای ساختن کلمات از آیه خاطره استفاده کنند. گروهی که بیشترین کلمات را بسازد برنده می شود.

2 پاسخ پازل



ح	ر	ف	ه	و	س	ی	د	ا	ز	آ	م
ا	ف	م	ر	چ	ف	ت	چ	ف	و	س	و
و	ی	ا	و	گ	ش	ی	ا	گ	ی	ر	س
س	ت	ر	ک	و	ا	س	و	چ	ح	ا	ف
ف	م	گ	ا	ی	ر	ی	س	ی	چ	و	ر
ا	چ	س	گ	د	ف	ع	ت	گ	ا	ت	س
و	ف	ر	ف	ا	ا	ف	ا	م	د	ا	و
ه	س	ی	چ	س	م	ف	س	چ	ا	ت	خ
ف	ت	و	ه	گ	چ	و	و	چ	ا	ش	م
ر	و	ص	ت	ا	خ	ا	ر	د	ا	ش	س
ح	س	ت	ا	ف	ش	س	ف	ا	و	س	ب
ب	ی	و	ف	ا	ی	ی	د	ا	م	ت	ع

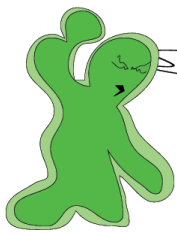
وفاداری - بی وفایی - مسیحیت - اعتماد - اسرار - فشار - شادراخ - مشاچ - ابدنگو - تصویر - شاه - کوره - عیسی - آزادی - حرفه - خدا

آیا تا به حال راز شخصی دوست خود را به دیگران گفته اید؟ چی شد؟

به دانش آموزان خود زمان بدهید تا داستان های خود را به اشتراک بگذارند. در بسیاری از موارد وقتی به دوستی بی وفایی می کنیم، با گفتن راز آنها، آن دوستی را از دست می دهیم. آنها دیگر با شما صحبت نمی کنند یا مثلاً از رفتن به مدرسه با شما امتناع می ورزند. برخی از دوستان می توانند زمانی که ما بی وفایی هستیم ببخشند، اما اغلب نیاز به مدرکی دال بر وفاداری دارد.

چه فشاری از طرف همسالان برای پنهان کردن اینکه شما در جایی که زندگی می کنید مسیحی هستید وجود دارد؟

به دانش آموزان خود زمان بدهید تا به اشتراک بگذارند. یک داستان واقعی برای زندگی خود آماده کنید، یا از اخبار مربوط به مسیحی که برای ایمان خود ایستاده است به اشتراک بگذارید.



از فشار همسالان متنفرم!!! من نمی خواهم از مسیحی بودن خجالت بکشم!

اگر دوستی غایب باشد، آیا می توانیم خیانت کنیم، چون او آنجا نیست؟

از اینکه مردم پشت سرمان به ما خیانت می کنند چقدر دردناک است صحبت کنید. وفاداری واقعی تنها زمانی وجود دارد که ما به دوستانمان وفادار باشیم، خواه حضور داشته باشند یا نباشند. خدا می تواند همه اعمال ما را ببیند، پس فایده ای ندارد که بی وفایی خود را از او پنهان کنیم. اما حتی اگر او نمی تواند ببیند، او می خواهد که ما در کلیسا، مدرسه، خیابان، خانه یا هر جایی که می رویم به او وفادار باشیم.

زمانی را در این هفته در نظر بگیرید تا در مدرسه یا جامعه آشکارا بپذیرید که مسیحی هستید و به عیسی مسیح ایمان دارید. پس از آن، با وجود هر فشاری که همسالان داشتید، با یک مهمانی کوچک از وفادار بودن خود خوشحال باشید.



درس سه

وفاداری در مقابل تردید

داستان کتاب مقدس: خداوند ساموئل را صدا می کند

اول سموئیل 3: 1-21

نمایشنامه 3

ویلی خردمند و فرد احمق از رفتن به باغ وحش خوشحال هستند. فرد نمی دانست برای بازدید از باغ وحش اسباب بازی مورد علاقه اش را بیاورد یا ناهار. فرد تصمیم گرفت اسباب بازی خود را بیاورد و بالاخره آنقدر گرسنه شد که سعی کرد اسباب بازی خود را بخورد.

آیه خاطره 3

”ایمان، اطمینانی است به چیزهایی که به آن امیدواریم و اعتقادی است به چیزهایی که نمی بینیم“

عبرانیان 11:1

درس اصلی 3



مبارزه مسابقه ما در این هفته وفاداری در برابر تردید است. بسیار مهم است که ما به خدا پاسخ دهیم، و این بخش بزرگی از یک مسیحی وفادار است. خدا به طرق مختلف با ما صحبت می کند، اما اغلب اوقات، ما نمی خواهیم متوقف شویم و به او گوش دهیم. ما تصمیم می گیریم قبل از پاسخ به خدا مکث کنیم و منتظر بمانیم. گاهی به امید اینکه خدا متوجه نشود اصلاً جواب نمی دهیم. چگونه می توانیم بفهمیم که آیا خدا با ما صحبت می کند؟ آیا تا به حال شک کرده اید که خدا واقعاً از شما خواسته است کاری انجام دهید؟

داستان امروز کتاب مقدس در مورد پسر جوانی است که شک داشت که خدا با او صحبت می کند.

ساموئل پسر جوانی بود که مادرش او را به خداوند داد. ساموئل با وجود اینکه هنوز جوان بود، در معبد زندگی می کرد و به خدا و کشیش الی خدمت می کرد.

یک شب، وقتی می خواستند بخوابند، ساموئل شنید که کسی او را صدا می زند. او تصور کرد که این کشیش الی است، پس از جا برخاست و نزد کشیش رفت. با این حال، الی گفت: "من زنگ نزد، برگرد و دراز بکش." دو بار دیگر این اتفاق افتاد و الی به ساموئل گفت که دراز بکشد. با این حال، هر بار ساموئل مطمئن می شد که کسی با او تماس گرفته است! بار سوم، الی کاهن متوجه شد که باید خدا ساموئل را فرا می خواند. او به سموئیل دستور داد که به خدا پاسخ دهد و گفت: "خداوند، سخن بگو، زیرا بنده تو گوش می دهد." وقتی خدا دوباره سموئیل را صدا زد، او آماده بود و به خدا کاملاً پاسخ داد! سپس خداوند به سموئیل سخنی خاص داد و زندگی او به عنوان پیامبر آغاز شد، با اینکه هنوز جوان بود. مهم نیست چند ساله هستید یا چقدر احساس آسیب می کنید. خداوند به دنبال پسر و دختری می گردد که به صدای او گوش دهند و ایمان بیاورند و اطاعت کنند. یکی از گناہانی که ما با آن مبارزه می کنیم، وسوسه تردید، بلاتکلیفی یا صبر کردن قبل از پاسخ به خداوند است. در مورد

سموئیل، او تا بار چهارم پاسخ درستی نداد، اما این مورد پسند خدا بود. اگر به آن فکر کنید، سموئیل همچنان در همان شب پاسخ داد.

با این حال، اگر خداوند ما را به انجام کاری بخواند، اما ما در همان عصر پاسخ ندهیم، چه اتفاقی می افتد؟ اگر یک هفته صبر کنیم تا به خدا پاسخ دهیم چه؟ شاید خداوند کسی را در مدرسه به شما نشان دهد که به کمک نیاز دارد. آیا تردید خواهید کرد یا به سرعت پاسخ می دهید؟

آیه حافظه امروز ما نشان می دهد که اطمینان به خدایی که نمی توانیم ببینیم به این معنی است که ایمان داریم. اعتقاد به اینکه او با ما صحبت کرده است، حتی اگر با گوش های خود نمی توانیم او را بشنویم، به این معنی است که ایمان داریم. اگر قرار است من و شما ایمان قوی داشته باشیم، ایمانی که بتواند در مسابقات پیروز شود، وقتی خدا با ما صحبت می کند باید ایمان داشته باشیم. و اگر واقعاً ایمان داشته باشیم، بدون تردید عمل می کنیم!

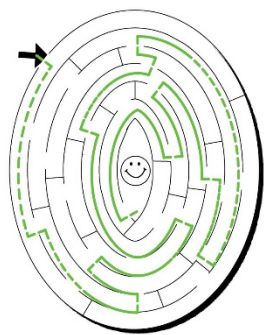
بازی آیه خاطره 3



بازی توپ موزیکال

ابتدا آیه را یاد بگیرید، آن را چندین بار تکرار کنید، یا با هر بازی تکرار کنید. سپس موسیقی را شروع کنید و از بچه ها بخواهید توپ را به دور یک دایره یا کلاس بچرخانند (قانون خوبی که باید به آن اشاره کرد این است که "توپ را پرتاب نکنید"). هنگامی که موسیقی متوقف می شود، کودک با توپ می تواند آیه را بگوید یا کسی را انتخاب کند که آن شعر را برای او بگوید. ادامه دهید تا زمانی که همه فرصتی برای گفتن آیه به تنهایی پیدا کنند.

پاسخ پازل 3



ا	ش	ک	د	ن	ک	ی	م	ت	ب	ج	ص
م	ل	م	ا	ع	ا	ل	ک	ع	ش	ا	ش
ک	ع	ی	و	ل	ش	ی	ش	ک	ا	ل	ک
ش	ن	و	س	ر	ی	ع	و	د	ل	ی	ی
ا	ت	و	و	ا	ک	و	ی	ک	م	و	ر
ل	س	ع	س	و	ش	د	ا	ل	ش	م	ا
ک	ن	ا	ه	ع	ر	ش	م	د	ه	ا	د
ک	ا	ا	ل	ت	ک	م	ع	م	خ	س	ا
ش	د	م	ن	د	ا	ب	ا	و	ج	ف	
گ	و	ش	د	ا	د	ن	د	ش	ک	ک	و

وفاداری - تردید - صحبت می کند - شک - دانستن - سموئیل - الی - کشیش - معبد - گناه - وسوسه - مهم - گوش دادن - سریع - جواب دادن - خدا

چه زمانی "سکوت" در واقع به معنای "نه" است؟

برای مثال، از مادرتان می‌پرسید که آیا می‌توانید به پارک بروید، و او می‌گوید «تکلیف خود را انجام دهید». نه نگفت، اما بله هم نگفت. یا نامه‌هایی به افراد مهم با درخواست نوشته است. اگر پاسخی دریافت نکردید، پاسخ منفی است. اگر خدا از ما چیزی بخواهد و ما پاسخی برای او نداشته باشیم، در واقع به خدا «نه» می‌گوییم.

آیا تا به حال خداوند از شما خواسته است که کاری انجام دهید؟ از کجا فهمیدین که خداست؟

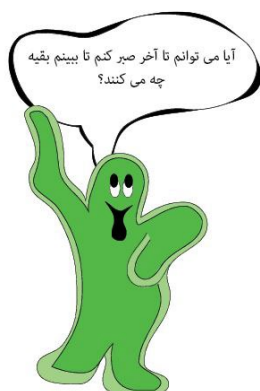
گاهی اوقات این احساس را داریم که باید به کمک دیگری برویم، یا از طرف کسی فشاری احساس می‌کنیم، یا مدام کاری را که باید انجام شود، یادآوری می‌کنیم. خدا به ما یادآوری می‌کند، زیرا حتی وقتی سعی می‌کنیم فراموش کنیم، نمی‌توانیم. گاهی اوقات شب در خواب می‌بینیم که کاری باید انجام شود.

چگونه می‌توانیم بر شک و تردیدهایی غلبه کنیم که خدا ما را در شهر، شغل یا دوستی خاصی می‌خواهد؟

سموئیل شک داشت که از خدا می‌شنود، اما خدا بر او صبور بود. می‌توانیم از کسی بپرسیم که به خدا نزدیکتر است، درست مثل ساموئل. ما می‌توانیم با والدین، کشیش یا رهبران کلیسا بررسی کنیم. ما همچنین می‌توانیم با کتاب مقدس تأیید کنیم. اگر آیاتی وجود دارد که کار ما را تأیید می‌کند، پس می‌توانیم اعتماد کنیم که در مسیر خوبی هستیم. همچنین می‌توانیم از خدا بخواهیم که با فرستادن کسی که با ما صحبت کند یا آهنگ خاصی به ما بدهد، آن را برای ما تأیید کند.

در رینگ 3

از خدا بخواهید که در این هفته با شما صحبت کند و کاری را انجام دهید. اطاعت را بلافاصله و بدون تردید تمرین کنید. اگر فراموش کردی و صبر کردی، از خدا تکلیف دیگری بخواه.





درس چهار

وفاداری در مقابل نافرمانی

داستان کتاب مقدس: جاسوسان در کنعان

اعداد 13:1-17، 33-3، 11-14:1

نمایشنامه 4

مادر حکیم ویلی دسر ژلاتینی خوشمزه ای آماده کرد تا با دوستش فولش فرد میل کند، اما به آنها گفت که انگشتان خود را در آن نجسباندند زیرا آماده نبود. فرد احمق اطاعت نکرد. انگشتش را در آن فرو کرد و آن را خراب کرد.

آیه خاطره 4

"موسی به آنها گفت: «شما با این کار خود، از فرمان خداوند سرپیچی می‌کنید، اما موفق نمی‌شوید»"

اعداد 14:41

درس اصلی 4



وفادار بودن شامل مطیع بودن است. ما نمی‌توانیم بگوییم «من به خدا وفادارم» در حالی که در عین حال از دستورات او سرپیچی می‌کنیم. این چیزی است که ما در این هفته مطالعه می‌کنیم: مبارزه "نافرمانی" در برابر "وفا". نافرمانی اغلب به عنوان زمانی دیده می‌شود که ما کاری را انجام می‌دهیم که نباید انجام دهیم. مثلاً اگر مادرت بگوید که امروز نمی‌توانی برای بازی به خانه دوستت بروی، اما به هر حال می‌روی، نافرمانی می‌کنی. او گفت نه، اما تو نافرمانی کردی و رفتی. بسیاری از افراد در کلیساها این تعریف را برای نافرمانی دارند. به عنوان مثال، اگر مسیحیان معتقدند که آنها مجاز به کشیدن سیگار نیستند، اما به هر حال این کار را انجام می‌دهند، به این معنی است که آنها نافرمان هستند. درست است. اگر به ما گفته شود کاری نکنیم و به هر حال آن را انجام دهیم، نافرمانی کرده ایم. نوع دیگری از نافرمانی وجود دارد که ما نیز باید مراقب آن باشیم. اگر مامانت بگوید برو مغازه برای شام بپاز برداری و تو بروی، این هم نافرمانی است. اگر خدا به ما بگوید که کاری را انجام دهیم و ما تصمیم به انجام آن نگیریم، نافرمانی کرده ایم. این همان چیزی است که در داستان کتاب مقدس امروز اتفاق افتاد.

قوم اسرائیل از بردگی خود در مصر نجات یافتند و در سراسر صحرا به سوی سرزمین زیبایی که خدا وعده داده بود سفر کردند. وقتی نزدیک شدند، خدا جلویشان را گرفت. او از موسی خواست که 12 رهبر را به عنوان جاسوس به سرزمین موعود بفرستد. این 12 مرد به زمین رفتند و از مردم، شهرها، ساختمان‌ها و محصولات جاسوسی کردند. رفتند ببینند زمین خوب است یا بد. تا این لحظه، بنی اسرائیل هر آنچه را که خدا از آنها خواسته بود اطاعت کرده بودند. آنها 12 جاسوس را همانطور که خدا خواسته بود فرستادند.

با این حال، زمانی که جاسوسان به خانه رسیدند، با هم مخالفت کردند. هر 12 نفر گزارش دادند که زمین عالی بود و شیر و عسل جاری بود. آنها یک خوشه انگور بزرگ آوردند تا به مردم در مورد امکانات کشاورزی افسانه ای نشان دهند. اما 10 نفر از جاسوسان گفتند که مردم بسیار بزرگ و شهرها بسیار مستحکم هستند، بنابراین آنها نباید بروند زمین را بگیرند. فقط 2 نفر از جاسوسان گفتند که با وجود اینکه مردم زیاد هستند، اما باید بروند. اسرائیلی ها همگی به گزارش منفی 10 جاسوس گوش دادند و نخواستند بروند. خداوند غمگین و ناامید شد زیرا مردم ناامید شده بودند. آنها می خواستند خدا را نافرمانی کنند و از رفتن به سرزمین خودداری کنند.

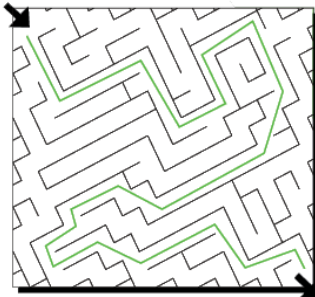
برای ما بسیار آسان است که وقتی چیزی غیرممکن را می بینیم دلسرد و غمگین شویم. گاهی اوقات اخبار تلویزیون ما را دلسرد می کند یا نظرات دیگران ما را ناراحت می کند. اما خدا از ما می خواهد که به او ایمان داشته باشیم و به او اعتماد کنیم. اگر خدا از ما بخواهد کاری انجام دهیم، باید با ایمان قدم برداریم و از خدا اطاعت کنیم. یوشع و کالیب دو جاسوسی بودند که به خدا ایمان آوردند و مردم را تشویق کردند که امکان پذیر است. آیا شما مانند یوشع و کالیب خواهید بود که مایل به اطاعت از خدا و محافظت از قلب خود از ناامید شدن هستید؟ با تمرین می توانیم در مبارزه مسابقه نافرمانی در برابر وفا پیروز شویم!

بازی آیة خاطره 4



بهش عمل کن
آیه حافظه را با حرکات یا نشانه ها اجرا کنید. این بازی بسیار عالی است زیرا بصری، فعال و شنیداری است.

جواب پازل 4



ا	د	د	ع	ب	و	ف	ط	ب	د	ز	د	ش	ق	ی	و	ش	ت
س	ن	س	ا	ر	ی	ل	ی	ل	ن	ی	ش	ت	د	ش	ط	و	ط
ر	ا	ب	ن	م	د	ش	م	ب	ن	ب	ا	ف	ا	ل	ف	ا	ل
ا	م	ع	ش	ب	ی	ط	ب	ی	ا	ب	ف	ا	ل	ف	ا	ل	ف
ی	ص	م	ش	م	ش	م	ب	ل	ع	ب	ل	ع	ب	ل	ع	ب	ل
ف	ی	د	ع	ف	ی	د	ع	ف	ی	د	ع	ف	ی	د	ع	ف	ی
ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل
و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و
و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و

- وفاداری - اطاعت - نافرمانی - برو - اسرائیل - مصر - دشت - وعده داده شده - زمین - جاسوسان - انگور ها - زیبا - دلسرد - تشویق شد - جاشوا - کالب قلب ها - ممکن

آخرین باری که دلتنگ شدی و دلتنگ شدی کی بود؟ چگونه تشویق شدید؟
 برای به اشتراک گذاشتن شهادت ها زمان بگذارید. از قبل با یک داستان واقعی از دل خودتان آماده شوید.
آیا خداوند از شما خواسته است کاری انجام دهید که غیرممکن یا خیلی سخت به نظر می رسد؟

با افزایش تجربه با خدا، هر بار به نظر می رسد که او کارهای سخت تری را از من می خواهد. نکته دلگرم کننده این است که وقتی خدا این همه از ما می خواهد، می توانیم بدانیم که او ما را بسیار قوی تر از خودمان می بیند.

آیا خود را مطیع خدا می بینید؟

سعی کنید یک بحث آزاد با دانش آموزان خود داشته باشید، جایی که هیچ کس یکدیگر را قضاوت نمی کند. اشتباهات و ناکامی های خود را به اشتراک بگذارید تا به آنها کمک کنید تا هم باز شوند. بحث کنید که چه اعمالی نشان دهنده اطاعت و چه اعمالی نشان دهنده نافرمانی است.

دو تکلیف از طرف خدا برای انجام این هفته انتخاب کنید. اول چیزی است که خدا از شما خواسته که انجام ندهید، و دیگری چیزی است که خدا از شما خواسته است. در هر دو مورد از خدا اطاعت کنید تا در مقابل نافرمانی پیروز شوید.





درس پنج

وفاداری در مقابل خودداری

داستان کتاب مقدس: ابراهیم و اسحاق

پیدایش 22: 1-18

نمایشنامه 5

در زمان تعطیلات، پسری به ویلی هوشیار و فرد احمق نزدیک می شود که در حال خوردن ساندویچ های عالی خود هستند. او پرسید که آیا می تواند با آنها در میان بگذارد زیرا پولی برای خرید غذا ندارد. فرد حاضر به تقسیم ساندویچ خود نشد، اما ویلی همه چیز را به او داد.

آبه خاطره 5

و بدون ایمان محال است که انسان خدا را خشنود سازد، زیرا هرکس به سوی خدا می آید، باید ایمان داشته باشد که او هست و به جویندگان خود پاداش “می دهد.”

عبرانیان 11:6

درس اصلی 5



در سراسر کتاب مقدس، خدا یک جنبه مهم ایمان و وفاداری را نشان می دهد که مایل باشید و چیزها را از او دریغ نکنید. به همین دلیل است که این هفته با گناه خودداری می جنگیم. امتناع از چیزی به معنای امتناع از دادن چیزی است که موظف است. همچنین می تواند به معنای سرکوب یا عقب ننگه داشتن باشد. در داستان امروز کتاب مقدس، خدا چیزی عظیم از ابراهیم خواست! او باید انتخاب می کرد که از خدا خودداری کند یا مایل به اطاعت از او باشد.

در بیشتر عمر ابراهیم، او و همسرش سارا نتوانستند بچه دار شوند. خداوند به ابراهیم و سارا فرزندان (فرزندان، نوه ها و غیره) به اندازه ستارگان آسمان وعده داده بود. بنابراین تعجب آور بود که آنها هنوز نتوانسته بودند حتی یک فرزند داشته باشند. سپس یک روز معجزه آسا، خداوند رحم سارا را باز کرد و او با وجود اینکه بسیار پیر بود باردار شد! آنها پسری به نام اسحاق داشتند و او را دوست داشتند و از

او مراقبت می کردند. خدا تصمیم گرفت ابراهیم را بیازماید تا ببیند آیا او مایل است از خدا پیروی کند یا از خدا خودداری می کند. خداوند ابراهیم را صدا زد و به او گفت که پسرش اسحاق را به بالای کوه ببر و او را به عنوان قربانی سوختنی قربانی کند. همان روز، ابراهیم برخاست و الاغ خود را زین کرد. او دو خدمتکار و پسرش اسحاق و تمام وسایل مورد نیاز برای قربانی را برد. آنها به جایی رفتند که خدا فرمود، سپس ابراهیم و پسرش رفتند و برای قربانی کردن آماده شدند.

اسحاق به پدرش گفت: «آتش و هیزم اینجاست، اما بره قربانی کجاست؟» ابراهیم باید آنقدر ترسیده بود که واقعاً مجبور بود از خدا اطاعت کند! اما او به خدا توکل کرد و به

برنامه ادامه داد. مذبح را برپا کردند و ابراهیم اسحاق را بر آن نهاد. با این حال، همانطور که ابراهیم چاقو را بالا برد، خدا او را متوقف کرد! خداوند به ابراهیم دستور داد که پسر را آزار ندهد و گفت: اکنون می‌دانم که تو از خدا می‌ترسی، زیرا پسر، تنها پسر را از من دریغ نکرده‌ای. (پیدایش 22:12)

این آیه نشان می‌دهد که خداوند ابراهیم را آزمایش می‌کرد تا ببیند آیا چیزی را از خدا دریغ می‌کند یا خیر. ما می‌توانیم با ابراهیم جشن بگیریم که او امتحان را پس داده است! ابراهیم نشان داد که مایل است از خدا پیروی کند و از هیچ چیزی عقب ننشست. خداوند ما را نیز امتحان خواهد کرد. او به دنبال مردان و زنان، پسران و دخترانی است که حاضرند هر چیزی را که خدا بخواهد به او بدهند. خداوند به دنبال کسانی است که از او دریغ نکنند. آیا حاضرید خدا را اطاعت کنید؟ آیا می‌توانید در یک آزمون دشوار موفق شوید؟

بازی آیه خاطره



ورقه های کاغذ

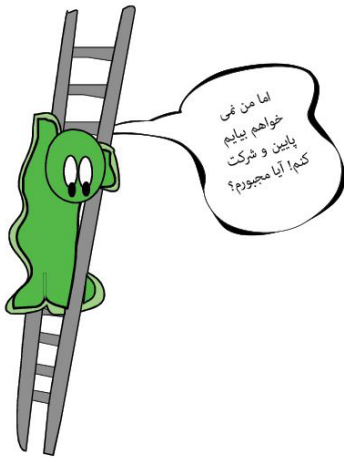
هر کلمه از آیه خاطره را روی یک تکه کاغذ بنویسید. کودکان باید برگه ها را به ترتیب صحیح قرار دهند. همچنین می‌توانید هر تکه کاغذ را جلوی هر کودک بچسبانید و آنها را به ترتیب در ردیف قرار دهید.

جواب پازل 5



د	ا	د	ی	ف	د	ب	ف	و	ی	ا	ق
ر	ق	ف	ک	و	ه	ب	ف	ی	د	ب	ر
ا	ا	ا	ک	ا	ی	ا	س	ا	م	ا	ی
غ	ح	ر	ب	ک	ن	د	ح	ا	ت	ا	م
ک	س	ف	ی	س	ا	ف	ی	ر	ب	ا	ن
ر	د	ا	ر	س	ا	س	ا	ر	د	ا	ی
د	د	ی	ب	ا	م	ا	ه	ا	پ	ا	ک
ن	د	خ	ت	ف	س	ه	ی	ف	ب	ر	غ
ف	د	ن	ی	م	م	ب	ر	ی	ب	د	ا
ا	ا	ر	ا	س	ا	ی	ا	س	ا	ش	ن
ع	ف	د	ا	س	ا	ن	د	ا	د	ف	ت
م	ت	و	ق	ف	د	ش	د	ل	د	ا	ن

- وفاداری - تمایل - دریغ کردن - امتناع - دادن - سرکوب - ابراهیم - ستاره ها - آسمان - سارا - اسحاق - قربانی کردن - امتحان - خدا - الاغ - کوه - آتش - محراب - متوقف شد



آیا تا به حال اطلاعات، دوستی یا مهربانی را از کسی دریغ کرده اید؟ چه زمانی و به چه کسی؟

در مورد چگونگی دادن پاسخ های جزئی یا اطلاعات ناقص بحث کنید. ما اغلب می توانیم دیگران را فریب دهیم که فکر کنند صادق هستیم، اما می دانیم که از چیزی خودداری می کنیم.

اگر خدا از شما بخواهد که مهمترین چیز خود را در زندگی فدا کنید، آن چیست؟

برای بسیاری از ما، مانند ابراهیم، نزدیکترین خانواده ما خواهد بود. اما خدا در واقع می خواهد در زندگی ما اول باشد و از ما می خواهد که حتی خانواده را قربانی کنیم تا به او خدمت کنیم. با دانش آموزان خود بحث کنید که مبلغان چه احساسی باید داشته باشند وقتی که مجبورند خانواده خود را ترک کنند تا در کشور دیگری به خدا خدمت کنند.

آیا خدا تا به حال شما را امتحان کرده است؟ توضیح بدهید.

قبل از کلاس در قلب خود جستجو کنید تا زمانی را بیابید که کی خدا شما را امتحان کرده است تا بتوانید آن را با دانش آموزان خود به اشتراک بگذارید. خدا اغلب موقعیت هایی را ایجاد می کند که اولویت های ما را به ما نشان می دهد. اگر گرفتار شدیم که خدا را در اولویت قرار ندادیم، پس امتحان را پس ندادیم.

آیا چیزی وجود دارد که خدا از شما می خواهد که این هفته از آن دست بکشید؟ لحظه ای به این فکر کنید که آن چیست، و سپس دعا کنید که خدا به شما قدرت دهد تا موقتاً آن را رها کنید. این می تواند چای، فیس بوک یا یک غذای مورد علاقه باشد. برای برنده شدن در این مبارزه، انتخاب کنید که آن مورد را در تمام طول هفته کنار بگذارید.



درس شش

وفاداری در مقابل غیرقابل اعتماد بودن

داستان کتاب مقدس: نوح و کشتی

پیدایش 5:32، 6:1-22، 7:1-12

نمایشنامه 6

ویلی عاقل قول داد که به مدت دو هفته هر روز زباله ها را بیرون می آورد. فرد احمق گفت که تمام هفته ظرف های شام را خواهد شست. اما پس از دو روز، فرد از انجام آنچه که قول داده بود دست کشید.

آیه خاطره 6

ممکن است کسی بگوید: «تو ایمان داری و من کارهای نیکو. تو به من ثابت کن چگونه می توانی بدون کارهای نیک ایمان داشته باشی و من ایمان خود را»
”به وسیله کارهای خویش به تو ثابت می کنم

یعقوب 2:18

درس اصلی 6



وفادار بودن شامل انجام کاری است که می گوئید انجام خواهید داد. سیاستمداران اغلب در حالی که برای انتخاب شدن در یک منصب حکومتی مبارزه می کنند، شعارهایی برای این موضوع دارند. برخی از مثالها عبارتند از: «اعمال نه گفتار» یا «وعده ها وفا شده». ممکن است عمل به وعده های خود سیاسی به نظر برسد، اما در واقع، این امر کتاب مقدسی است!

در موعظه روی کوه، عیسی به شاگردان خود موعظه کرد و مردم جمع شدند. گفت نیازی به فحش دادن و قول خاصی نداریم. عیسی گفت: «بله شما بله باشد و نه شما نه.» بسیار ساده و در عین حال بسیار دشوار است! خداوند همیشه به دنبال مردان و زنانی خواهد بود که به او وفادار باشند تا آنچه را که گفته اند انجام دهند. اگر به وعده های خود عمل نکنیم، قابل اعتماد نیستیم. مبارزه ما در این هفته «وفاداری» در برابر «عدم اعتماد» است.

نوح مردی مومن بود. وقتی به خدا بله گفت، تکلیفش را تمام کرد. بسیاری از ما داستان نوح و کشتی را شنیده ایم. خداوند روزی از نوح خواست که قایق بزرگی از چوب بسازد. وقتی نوح ساخت کشتی را تمام کرد، خداوند از هر حیوان دو نفر فرستاد و نوح همه آنها را در داخل بار کرد. هنگامی که آنها به سلامت داخل شدند، خداوند در را بست و سیل عظیمی را به زمین فرستاد.

با این حال، آیا می توانید تصور کنید که برای نوح چقدر سخت بوده است؟ ما دقیقاً نمی دانیم که نوح چه مدت برای ساخت آن قایق عظیم کار کرده است، اما بر اساس این واقعیت که فرزندان بزرگتر بودند و همه ازدواج کرده بودند، باید چیزی بین 55 تا 75 سال باشد!!!

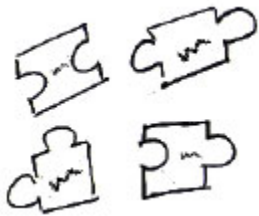
بنابراین، بعد از اینکه خداوند از نوح خواست تا کشتی را بسازد، نوح کار کرد و کار کرد و کار کرد. سالها گذشت و او به کارش ادامه داد! 10 سال، سپس 20 سال، سپس 30 سال، و او به کار ادامه داد. فکر می کنید ادامه کار روی یک ماموریت برای 55 سال یا 75 سال دشوار بود؟ آره! خیلی سخت می شد!

وقتی خدا از نوح خواست تا کشتی را بسازد، نوح این کار را کرد. به خدا آری گفت، سپس بدنبال آن اعمالش کرد. او کشتی را ساخت. ساده به نظر می رسد، اما به پایان رساندن کارهایی که قول داده ایم انجام دهیم، آسان نیست. به خصوص اگر دیگران در حین کار ما را می خندند یا مسخره می کنند. به احتمال زیاد همسایگان نوح به او می خندیدند و بیش از 50 سال! برای پیروزی بر این گناه، باید به خدا اعتماد کنیم تا کارهایی که از ما می خواهد انجام دهیم، حتی اگر ۷۵ سال طول بکشد! آیا به خدا وفادار و قابل اعتماد خواهید بود تا آنچه را که به او وعده داده اید، کامل کنید؟

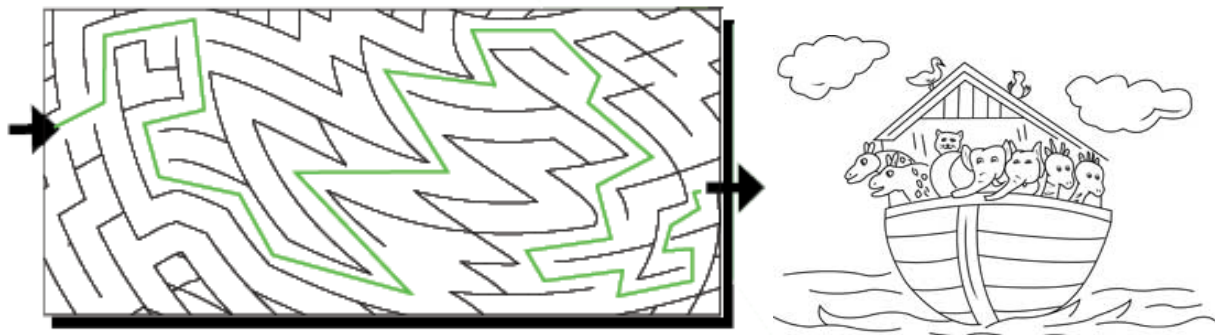
بازی آیه خاطره 6

پازل های اره مثبت کاری یا اره مویی

از هر کودک بخواهید یک آیه را روی یک تکه کاغذ رنگی بنویسد، خطوط پازل بکشد و قطعات را برش دهد. (اگر زمان محدود است، پازل ها را از قبل آماده کنید.) مسابقه ای داشته باشید تا ببینید چه کسی می تواند سریعتر پازل خود را جمع کند. برنده اولین دانش آموز یا تیمی است که می ایستد و بعد از اتمام پازل، آیه را با صدای بلند می خواند.



جواب پازل 6



چ	و	ب	م	ک	ا	ر	ن	ب	ی	ق	ع	ت	گ	ه	ی	ن
ش	ی	ن	ر	ر	ر	و	ش	گ	ی	ر	ی	ش	ن	م	ن	ت
ل	ر	ل	ی	س	م	ع	ر	ت	ا	ن	ا	و	ی	ح	خ	م
م	ا	ع	گ	ا	ی	د	ر	م	م	ن	د	ر	س	ش	گ	ی
گ	ر	م	ر	ل	ش	ه	ن	ا	ی	ه	ت	ک	ا	ل	ی	ف
ش	ن	ی	ع	ه	م	ن	ح	و	ن	ی	ر	م	گ	ف	ی	ن
ن	گ	ه	د	ا	ر	ی	م	ی	ش	و	د	ا	ن	ی	و	و

وفاداری - وعده - نگهداری می شود - سخت - آره - نه - نوح - عرش - چوب - حیوانات - سیل - امنیت - سالها - کار - تکالیف - اعمال - تعقیب

چند سال است که در مدرسه، خانه یا محل کار خود وفادار بوده اید؟

پس از بحث در مورد اینکه چقدر برای نوح وفادار و قابل اعتماد برای این مدت طولانی مشکل بوده است، از هر دانش آموز بخواهید که چند سال وفادار بوده است.

آیا سیاستمداری را در جامعه خود می شناسید که به وعده های خود عمل کرده باشد یا کسانی که به وعده های خود عمل نکرده اند؟

ایده غوطه ور شدن در سیاست نیست، بلکه درک این است که چقدر برای ما بسیار دشوار است که به وعده های خود عمل کنیم و کارهایی را که خدا به ما داده است انجام دهیم. صحبت کردن در مورد مسائل جامعه به ایجاد احساس واقعیت در درس کمک می کند و به دانش آموزان کمک می کند تا آن را در زندگی خود اعمال کنند.

خداوند از شما چه خواسته است؟

برای به اشتراک گذاشتن شهادت های شخصی در مورد آنچه خدا از هر فرد خواسته است، زمان بگذارید. آیا آنها برای انجام کاری که خدا به آنها داده است قابل اعتماد بوده اند؟



بازه ای از زندگی خود را انتخاب کنید که مورد اعتماد خداوند باشید. در این هفته یک روز کاری را برای خدا انتخاب کنید و مطمئن باشید که در آن قابل اعتماد هستید. پس از اتمام، وعده دیگری را برای یک روز به خدا انتخاب کنید و تعیین کنید چه روزی آن را انجام دهید. حتما به قولت عمل کن



درس هفت

وفاداری در مقابل شک

داستان کتاب مقدس: عیسی به توماس ظاهر می شود

یوحنا 20:24-31

7  نمایشنامه

به ویلی خردمند و فرد احمق گفته شد که اگر کارهایشان را به پایان برسانند، جایزه ای شگفت‌انگیز خواهد داشت. ویلی عاقل کارهایش را تمام کرد، حتی اگر مجبور بود حمام را بشوید. اما فرد احمق باور نمی کرد که واقعاً جایزه ای وجود داشته باشد، بنابراین کارهایش را انجام نداد.

7  آیه خاطره

”عیسی گفت: «آیا تو به‌خاطر اینکه مرا دیده‌ای ایمان آوردی؟ خوشا به حال کسانی که مرا ندیده‌اند و ایمان می‌آورند»

یوحنا 20:29

7  درس اصلی



ایمان عبارت است از اطمینان یا اعتماد به شخص یا چیز. این اعتقاد به چیزی یا کسی است که ما نمی توانیم آن را ببینیم. برای مسیحیان، ایمان به خدا یک اطمینان و اعتماد به او است، حتی اگر ما نتوانیم او را ببینیم. مبارزه مسابقه ما در این هفته شک در برابر وفاداری است. شک یک عدم اطمینان یا عدم اعتقاد است. اگر می‌خواهیم ثمره روح «وفاداری» یا «ایمان» را در زندگی‌مان داشته باشیم، شامل این است که ما سرشار از ایمان باشیم، و باید گهگاه در دل‌هایمان با شک مبارزه کنیم.

داستان امروز کتاب مقدس درباره توماس است. او شاگرد عیسی بود و در زمان عیسی روی زمین زندگی می‌کرد و راه می‌رفت. او از عیسی پیروی کرد و تمام داستان‌ها و موعظه‌های او را دست اول شنید. اما سپس عیسی دستگیر و محاکمه شد. آنها او را محکوم کردند و عیسی را بر صلیب آویزان کردند. عیسی به همه شاگردان خود گفته بود که در روز سوم مردگان برخیزد، اما هیچ یک از آنها به یاد نیاوردند. شاید آنها نمی توانستند باور کنند که ممکن است، زیرا آنها مرگ او را روی صلیب با چشمان خود دیدند.

سپس عیسی آنها را شگفت زده کرد و همانطور که وعده داده بود از مردگان برخاست. او یک روز در حالی که توماس با آنها نبود به شاگردان ظاهر شد. (یوحنا 20:25) "بنابراین شاگردان دیگر به او گفتند: "ما خداوند را دیدیم!" اما توماس به آنها گفت: «تا من آثار ناخن را در دستان او نبینم و انگشت خود را در جایی که می‌خراهم و دست خود را در پهلوی او نگذارم، ایمان نمی‌آورم.» یک هفته بعد عیسی دوباره نزد شاگردان آمد و این

بار توماس با آنها بود. عیسی مخصوصاً نزد توماس رفت و زخم‌های روی دست‌ها و پهلوهایش را به او نشان داد.

توماس به عیسی شک داشت و می‌خواست او را ببیند تا ایمان بیاورد. با این حال، عیسی از من و شما می‌خواهد که او را باور کنیم، حتی اگر نمی‌توانیم او را ببینیم. آیا با شک در دل خود مبارزه می‌کنید تا بتوانید ایمان قوی داشته باشید؟ اگر ما هم شک داریم، نیازی به دلسردی نیست. عیسی با ما صبر خواهد کرد، درست همانطور که با توماس کرد!

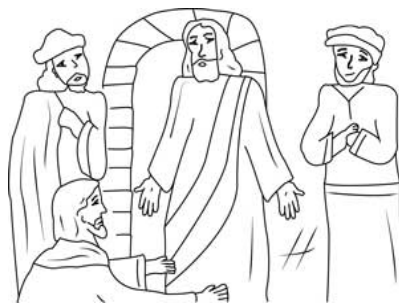
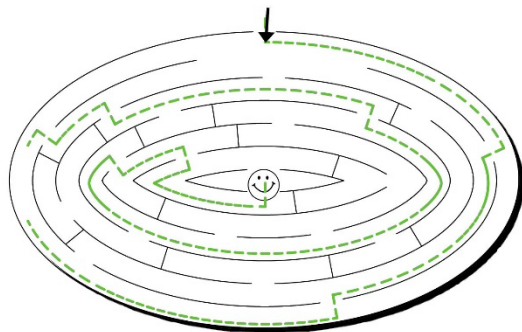
7 بازی آیة خاطره

رله در حال اجرا



بچه‌ها را به دو تیم تقسیم کنید. یک تخته سیاه، تخته سفید یا ورق کاغذ بزرگ را در فاصله‌ای از خط شروع قرار دهید. به بچه اول هر تیم یک ابزار نوشتاری بدهید و با فریاد «برو» از او بخواهید به سمت سطح نوشته بدود و اولین کلمه آیة را بنویسد. از او بخواهید به تیمش بازگردد و ابزار نوشتن را به نفر دوم بدهد. تیمی که اول نوشتن آیة را به درستی انجام دهد برنده می‌شود.

7 جواب پازل



ب	ا	و	ر	د	ا	ش	ت	ن	ت	ن	م
ص	م	ن	س	ت	ع	ا	ه	ن	د	ع	س
ت	خ	ه	ت	ن	گ	گ	م	ی	ه	ت	ی
و	م	ش	ا	ف	ر	ر	د	م	ت	س	ح
ر	ف	ن	خ	ن	م	د	ع	ت	ی	ای	ی
ه	ع	ه	ی	ن	ع	ای	ع	ای	م	د	ا
ل	م	ن	ز	ت	ا	ن	و	ت	س	ر	ن
ا	ع	ت	م	ا	د	م	ق	ع	ا	س	ع
ب	ت	م	ه	ن	ه	م	ی	ه	م	ل	ت
ن	ع	ب	و	ل	ق	م	ع	ا	و	د	م
د	س	ف	ن	ه	ب	د	ا	م	ت	ع	ا

- اعتماد به نفس - اعتماد - شخص - باور داشتن - مسیحیان - توماس - عیسی - دنباله رو - مرگ - رستاخیز - شاگردان - قوی - ایمان
قلوب - دیدن - دلسرد

چرا همه به عیسی ایمان ندارند؟

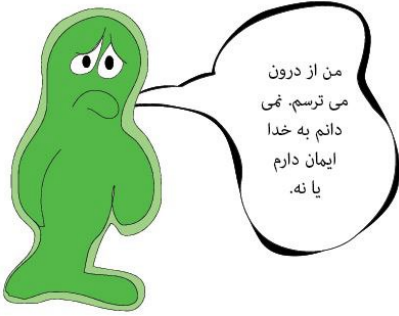
خداوند به ما انسانها این حق را داده است که باور کنیم یا نه، زیرا می‌خواست اراده آزاد داشته باشیم و مانند ربات‌های بدون انتخاب نباشیم. بسیاری از مردم تصمیم می‌گیرند به عیسی ایمان نیاورند، زیرا این بدان معناست که باید شیوه زندگی خود را تغییر دهند.

آیا کاری هست که خدا نتواند انجام دهد؟

هیچ کاری نیست که خدا نتواند انجام دهد. با این حال، او مهربان است و ما را مجبور نخواهد کرد. انسانها حق دارند راه خود را در گناه، پیروی از بت‌های دیگر و ارضای امیال نفسانی خود انتخاب کنند. این قلب خدا را می‌شکند، اما او ما را مجبور به ایمان یا اطاعت نمی‌کند.

آیا وقتی شک داریم دچار مشکل می‌شویم؟

توماس وقتی شک داشت که عیسی از مردگان برخاسته است مشکلی نداشت. با این حال، برای کسانی که شک نمی‌کنند، حتی زمانی که نمی‌بینند، برکات اضافی وجود دارد.



انتخاب کنید که این هفته به خدا در مورد چیزی که به شما وعده داده و غیرممکن به نظر می‌رسد ایمان داشته باشید. به خدا بگویید حاضرید صبر کنید تا او به وعده خود عمل کند. برای نشان دادن تمایل خود به صبر، در هر صفتی که نیازی به بودن ندارد، بروید! بنویسید چند دقیقه در صف منتظر ماندید تا بتوانید آن را به مربی خود گزارش دهید.



درس هشت

ملایمت در مقابل اختلاف

داستان کتاب مقدس: ابراهیم و لوط از هم جدا شدند

پیدایش 13:1-18

نمایشنامه 8

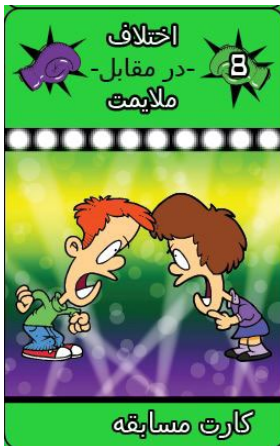
ویلی خردمند و فرد احمق فقط کوپنی برای تعویض همبرگر یا پیتزا داشتند و نمی‌توانستند تصمیم بگیرند چه بخورند. ویلی به فرد اجازه داد انتخاب کند که کدام غذا را برای کوپن تهیه کند و هر دو خوشحال بودند.

آیه خاطره 8

”همیشه فروتن، ملایم و بردبار باشید و با محبت یکدیگر را تحمل کنید“

افسیان 4:2

درس اصلی 8



امسال در مورد میوه های روح یاد می‌گیریم. اینها اقدامات و راههایی برای زندگی به عنوان یک مسیحی است. غلطیان فصل 5 نیز فهرستی از میوه های گوشتی دارد. آنها اقداماتی برای ایجاد احساس خوشحالی در خودمان هستند، صرف نظر از اینکه چگونه ممکن است بر دیگران تأثیر بگذارند. یکی از گناهان نفس، اختلاف است، گناهی که در این هفته مطالعه می‌کنیم. در واقع، اختلاف فقط یک اختلاف است، با این تفاوت که اغلب منجر به اختلاف می‌شود. این یک اختلاف یا درگیری یا دعوا با کسی است زیرا ما با او موافق نیستیم.

طبیعی است که همیشه با اطرافیانمان موافق نخواهیم بود. اما مهم این است که یاد بگیریم چگونه به یکدیگر احترام بگذاریم و گاهی بدون دعوا اجازه اختلافات را بدهیم. اگر دعوا راه بیندازیم، یا از همکاری با دیگران امتناع کنیم، گناه کرده ایم. شاید گناه بزرگی به نظر نرسد، اما خداوند آن را در فهرست گناهان غلطیان به همراه گناهان دیگری مانند جادوگری، مستی و بداخلاقی قرار داده است! اگر خدا تصمیم گرفت که اختلافات را در این فهرست گناهان قرار دهد، به نظر من باید فرض کنیم که برای خدا مهم است.

در داستان کتاب مقدس امروز، ابراهیم راه خوبی برای مقابله با جنگ به ما نشان می‌دهد. ابراهیم و لوط هر دو خانواده‌های بزرگ و گله‌ها و گله‌های حیوانات زیادی داشتند. آنها سعی می‌کردند سفر کنند و در نزدیکی یکدیگر زندگی کنند، اما آنها خیلی بزرگ بودند و زمین نمی‌توانست هر دو گروه را پشتیبانی کند. کتاب مقدس می‌گوید که نزاع بین گله های آنها در گرفت. ابراهیم و لوط خود را در مشکلی دیدند که در آن افراد تحت حاکمیت آنها در حال جنگ بودند و این وظیفه آنها بود که کاری در مورد آن انجام دهند.

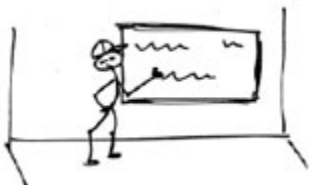
آنها تصمیم گرفتند دورتر از هم زندگی کنند تا زمین بتواند هر دوی آنها را حفظ کند. آنها در مورد آن نزاع نکردند، اما ابراهیم به لوط اجازه داد ابتدا محل زندگی خود را

انتخاب کند. هنگامی که لوط انتخاب کرد، ابراهیم به سمت دیگر رفت. آنها فاصله ای را از هم جدا کردند و هر مرد توانست در زمین کافی برای خانواده بزرگ و گله خود زندگی کند. کاری که ابراهیم انجام داد آسان نیست. او به طرف مقابل اجازه داد راه خود را داشته باشد. اگر می‌خواهیم در برابر گناه اختلافات پیروز شویم، باید به دیگران اجازه دهیم راه خودشان را داشته باشند و از وارد شدن به دعوا بپرهیزیم. آیا می‌توانید مانند ابراهیم باشید و اجازه دهید دیگران راه خود را انتخاب کنند؟

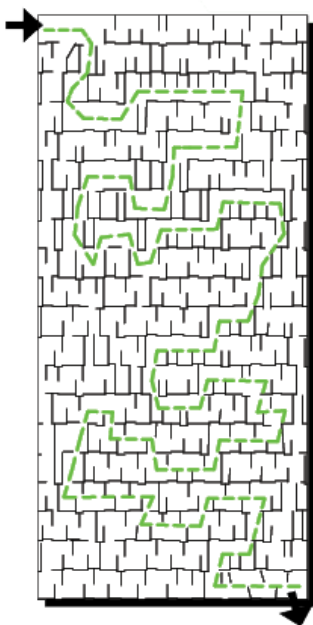
بازی آیه خاطره 8

یک کلمه را پاک کنید

آیه خاطره را روی تخته بنویسید. هر بار آیه را یک کلمه پاک کنید و هر بار از بچه‌ها بخواهید که آیه را بگویند.



جواب پازل 8



د	ا	ح	ل	ا	م	ع	ا	ا	م
ع	ح	ط	ت	ا	ت	م	ت	ح	س
و	م	و	م	ک	ا	ر	ر	ا	ی
ا	ه	ل	ر	ر	ر	ک	ا	م	ح
ک	م	ا	ت	ح	ه	د	ر	ک	ی
ر	م	ح	ا	ه	ه	ل	ی	ت	ا
د	ا	ک	د	ح	ا	م	ص	ا	ن
ن	ر	د	ا	ت	ی	ه	م	ا	ح
ح	ت	ی	ک	ح	ح	ر	ا	ح	ف
ا	ا	ک	ا	د	و	ت	ک	ن	ا
د	ر	ر	م	ک	ر	م	ح	ر	ی
خ	ب	ا	ت	ن	د	ر	ک	د	ر
ا	ح	ن	ا	ا	ه	ه	و	ی	م

میوه‌ها - روح - اعمال - مسیحیان - گناه - دعوا کردن - احترام - دیگران - رد کردن - کار - مهم - خدا - ابراهیم - لوط - گله‌ها - فاصله

اختلافی را که در این هفته داشتید نام ببرید. کی بود و با چه کسی؟

در کلاس خود کمی وقت بگذارید تا دانش آموزان در مورد اختلافاتی که ممکن است در این هفته داشته اند با هم صحبت کنند. خود را آماده برای اشتراک گذاری داشته باشید. سعی نکنید اختلافات را حل کنید، بلکه در مورد میزان رایج بودن آنها صحبت کنید. با دانش آموزان خود در مورد راه‌هایی صحبت کنید که با کسی بدون دعوا مخالفت کنید. آیا می‌توانید نمونه‌ای را به خاطر بیاورید که به شخص دیگری اجازه دهید راه خود را داشته باشد؟

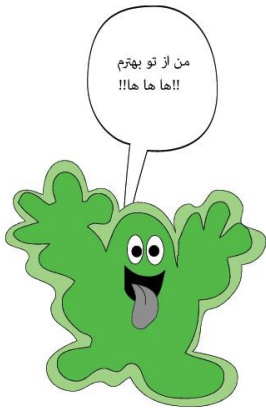
برای ما انسان‌ها خیلی سخت است که بگذاریم دیگران پیروز شوند. به دانش آموزان خود اجازه دهید حتی داستان‌های قدیمی را به اشتراک بگذارند، جایی که به شخص دیگری اجازه می‌دهند راه خود را داشته باشد. متأسفانه برخی از مردم هرگز اجازه نداده اند دیگران برنده شوند.

بحث کنید که چقدر وحشتناک است وقتی به دیگران اجازه نمی‌دهیم پیروز شوند، و چگونه خدا می‌خواهد که همیشه با دیگران در صلح زندگی کنیم.

اگر می‌خواهید کمک کنید، آیا همیشه حق با شماست؟

نه! خدا می‌خواهد که ما بین خودمان اختلاف نداشته باشیم. این بدان معناست که مهم نیست انگیزه‌های ما چقدر خوب است، گاهی باید اجازه دهیم دیگران پیروز شوند و دست از مبارزه برداریم. مهم نیست که شما در حال جنگیدن هستید، زیرا سعی می‌کنید کمک کنید. فقط دست از مبارزه بردارید!

وقتی بر سر چیزی اختلاف نظر دارید، اجازه دهید شخص دیگری برنده شود. شما می‌توانید مخالفت خود را انتخاب کنید، اما باید خود را از مبارزه با آنها بر سر این موضوع باز دارید. به آنها اجازه دهید نظر خود را داشته باشند.





درس نه

ملایمت در مقابل سنت ها
داستان کتاب مقدس: پاک و ناپاک

متی 15:1-20

نمایشنامه 9

یک شنبه شب، وایز ویلی و فرد احمق به جشنی در کلیسا دعوت شدند. ویلی خیلی شیک لباس پوشیده بود اما فرد با لباس خواب ظاهر شد. ویلی از او پرسید: "چرا اینطور لباس پوشیده ای؟" فرد پاسخ داد که آنها به او گفته بودند که لباس شب بپوشد. خجالت کشید که فهمید جشنواره شیکی است و باید با کت و شلوار و کراوات می آمد.

آیه خاطره 9

یهودیان یا یونانیان یا کلیسای خدا را نرنجانید. همان کاری را بکنید که من می‌کنم: من سعی می‌کنم تمام مردم را در هر امری خشنود سازم و در فکر خود نیستم بلکه در فکر منفعت عموم هستم تا ایشان نجات یابند "اول قرنتیان 10:32-33"

درس اصلی 9

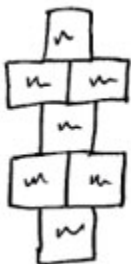


نبرد این هفته ملایمت در برابر سنت هاست. ملایمت می تواند ثمره ای دشوار از روح باشد، زیرا در بسیاری از فرهنگ ها آن را یک ضعف می دانند. معمولاً به عنوان مهربانی، توجه، فروتنی و رفتار خویشندار شناخته می‌شود. اما برای بسیاری، خویشنداری خوب نیست! با این حال، برای خدا، خویشنداری خوب است، و چیزی است که او از ما می خواهد. خدا فکر کرد که فهرست کردن به عنوان میوه روح در کتاب مقدس به اندازه کافی مهم است، و عیسی وقتی اینجا روی زمین بود مهربانی نشان داد. در کلیساهای سراسر جهان، سنت‌های مذهبی آنقدر برای ما مهم می‌شوند که فراموش می‌کنیم رفتار خود را مهار کنیم. ما کاملاً فراموش می‌کنیم که خدا از ما می خواهد که با دیگران مهربان و مهربان باشیم. سنت‌های ما از مردم مهم تر می شود!

داستان امروز کتاب مقدس یک داستان مهم است، زیرا عیسی مسیح به ما نشان می دهد که مراقب سنت های خود باشیم. روزی رهبران کلیسا نزد عیسی آمدند و از او پرسیدند که چرا به شاگردان اجازه داد تا با غذا خوردن با دستان شسته نشده سنت شکنی کنند. اما عیسی از رهبران پرسید که چرا به خانواده های خود را به خاطر سنت بی احترامی کردند. عیسی آنها را منافق نامید!

شما ممکن است این سنت را در کشور خود نداشته باشید، جایی که خوردن با دستان شسته گناه است. اما شما سنت هایی دارید که بسیار مهم هستند. وانمود کنید که نمی دانید این سنت «خوردن با دستان شسته» بود و یکی از سنت های کشور خود را در جمله عیسی قرار دهید. چه می شد اگر عیسی درباره یکی از سنت های شما صحبت می کرد؟ آیا می توانید خویشنداری نشان دهید و به دیگری که سنت شکنی می کنند عشق بورزید؟ یا شما مانند فریسیان هستید که سنت را به هر قیمتی در اولویت قرار می دهند؟

سپس عیسی به رهبران گفت که هر آنچه از بیرون به بدن می رود آنها را نجس نمی کند، بلکه آنچه از دهان خارج می شود او را نجس می کند. این به این دلیل است که هر آنچه از دهان ما خارج می شود از قلب ما بیرون می آید. خداوند همیشه بیشتر به فکر قلب ما خواهد بود تا سنت های ما. آیا می توانید سنت های خود را بدون محکوم کردن کسانی که انجام نمی دهند، رعایت کنید؟ آیا می توانید با کسانی که سنت های شما را می شکنند مهربان و مهربان باشید؟ اگرچه بسیار دشوار است، اما زندگی کردن مانند عیسی همین است.

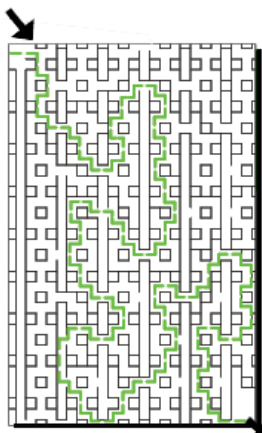


بازی آیه خاطره 9

هاپسکاج (بازی لی لی در تصویر)

از نوار چسب برای ایجاد الگوی اسکاج هاپ روی کف استفاده کنید. کلمات آیه حافظه را روی کاغذ بنویسید و آنها را به بالای هر مربع هاپسکاج بچسبانید (نوار پوشاننده را کاملاً در لبه های کاغذ قرار دهید تا انگشتان پای کودکان روی کلمات گیر نکند). از کلاس بخواهید که در هر طرف منطقه هاپسکاج صف آرایی کنند تا بتوانند کلمات را در حالی که بچه ها به نوبت می پرند ببینند. در حالی که بچه ها در هر مربع می پرند، کلاس در حین رفتن آیه را تلاوت می کند.

جواب پازل 9



ک	م	ل	ا	ی	م	ت	د	م	د	ل	د	ن
ت	خ	د	م	ل	ا	ه	ت	س	ش	ن	ا	ا
ا	و	ی	ی	ت	ی	ه	ت	ی	م	م	م	پ
ب	ر	س	ن	م	ی	ن	ب	د	ل	ی	ا	ا
م	د	ی	ت	ل	ی	ا	ا	ل	ت	س	ک	ک
ق	ن	ع	ن	د	ر	ل	ب	ق	ن	م	م	م
د	د	م	ت	ن	ت	گ	ق	ی	ر	ت	د	د
س	ل	و	ل	ی	م	ی	ت	ش	م	ه	ل	ل
د	ر	ن	ا	ت	س	د	د	ل	ع	ا	م	م
ف	م	د	ل	ح	ی	ر	ف	ت	گ	ن	ز	ز

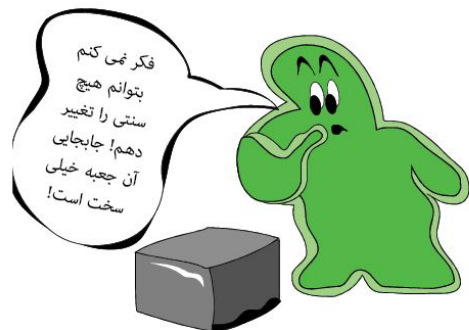
ملايتم - سنت ها - مهربانی - فروتنی - کتاب مقدس - عیسی - زنگ تفریح - خوردن - نشسته - دستان - عشق - دیگران - قلب ها - ناپاک

پرسش و پاسخ 9

فرقه شما چه قوانینی دارد؟

با دانش آموزان خود در مورد انتظارات مورد نیاز اعضای کلیسا یا فرقه خود بحث کنید. آماده باشید تا در مورد قوانین دیگری که سایر فرقه ها ممکن است داشته باشند نیز صحبت کنید. این می تواند شامل موارد زیر باشد: عدم تماشا فیلم، استفاده یا عدم استفاده از کلمات خاص، پوشش سر، حضور در کلیسا، هدیه دادن، پوشیدن لباس، زمان حضور در خانه، سبک های دعا و موارد دیگر.

چگونه می توانید به کسی که یکی از سنت های شما را زیر پا می گذارد عشق نشان دهید؟



آیا دانش آموزان شما با دیگرانی که سنت های آنها را زیر پا می گذارند صحبت می کنند؟
آیا آنها می توانند با آنها معاشرت کنند؟ آیا آنها می توانند با کسی که از قوانین
مشابه پیروی نمی کند دوستان خوبی باشند؟ درباره راه های ابراز عشق به دیگران بحث کنید.
**اگر ملایمت با قانون شکنان باعث عدم محبوبیت شما شود چه؟ آیا همچنان باید نرمی نشان
داد؟**

در مورد دردی که در زمان نامحبوب شدن ما ایجاد می شود، چه در کلیسا یا در مدرسه
صحبت کنید. چگونه می توانیم ملایمت را با کسانی که محبوب نیستند نشان دهیم؟ اگر عیسی
در مدرسه شما بود چه می کرد؟

در رینگ 9

مهربانی با کسی را به جای یکی از سنت های خود انتخاب کنید. این می تواند به معنای درک
زمانی باشد که آنها سنت شما را زیر پا می گذارند و در مورد آن اظهار نظر نمی کنند.
مطمئن شوید که به کسی صدمه نزنید، یا با این تکلیف توجه خود را جلب کنید.



درس ده

ملایمت در مقابل تلخی

داستان کتاب مقدس: قابیل و هابیل

پیدایش 4: 1-16

نمایشنامه 10

ویلی عاقل و فرد احمق در حال فروش لیموناد هستند. فرد تصمیم گرفت در یکی از پارچ های لیموناد شکلات تلخ بریزد. سپس گفت: "نمی دانم چرا طعم آن را دوست ندارند، من فقط مقداری شکلات تلخ ریختم."

یازی آیه خاطره 10

"از این پس دیگر هیچ نوع بغض، غیظ، خشم، داد و فریاد، دشنام و نفرت را در میان خود راه ندهید"

افسیان 4:31

درس اصلی 10



نبرد امروز لطافت در برابر تلخی است. تلخی مثل یک سلول زندان است! ما فکر می کنیم آدم بد را به زندان انداخته ایم، در حالی که واقعاً خودمان زندانی هستیم! حقیقت این است که مردم به ما صدمه خواهند زد. گاهی اوقات مرتکب اشتباهی شده ایم که مستحق درمان هستیم و گاهی کاملاً بی گناه هستیم. در هر صورت، ما مسئول قلب خود هستیم. تلخی به عنوان یک آسیب شروع می شود. یک واکنش رایج به درد عصبانی شدن است و این می تواند به رنجش منجر شود. اگر به حالت چرک دربیاید، خشم در نهایت مانند یک زخم خورنده می شود که تلخ است! یکی از تعریف های تلخی «حالت مزمن و فراگیر کینه توز» است.

چیز شگفت انگیز در مورد انجیل عیسی مسیح این است که هیچ چیز نمی تواند مسیحیان را لمس کند! ممکن است بدنم را بسوزانند، اما نمی توانند روحم را لمس کنند. آنها ممکن است به من به مردم تهمت بزنند، اما عیسی می داند که من بی گناه هستم. در نهایت هر مرد تاوان اعمال خود را خواهد داد. در بهشت، من برای رفتار خودم پاداش خواهم گرفت و

هیچ کسی نمی تواند برای ربودن شادی من انجام دهد. مردم می توانند دارایی های من را در اینجا بر روی زمین بدزدند، اما هیچ کس نمی تواند گنجینه هایی را که من در بهشت گذاشته ام بدزدد. همه اینها درست است، مگر اینکه من به خاطر گناهی که دیگران در حق من کرده اند، تلخی را در قلبم بگذارم. اگر بارها و بارها به ظلمی که در حقم شده و اینکه چگونه قربانی شده ام فکر کنم، می تواند وارد روح من شود و شخصیت من را تسخیر کند. می توانم بی اعتماد، شک، افسرده، بدبین و ناراضی شوم. کسی که به من ظلم کرده نمی تواند شادی مرا بدزدد، مگر اینکه آن را به او بدهم.

داستان امروز کتاب مقدس در مورد قابیل و هابیل، دو برادر است که سعی داشتند برای خدا قربانی کنند. قابیل مقداری میوه و سبزی به عنوان هدیه نزد خدا آورد و هابیل بره

ای را برای قربانی آورد. خدا از هدایای هابیل خوش آمد، اما از هدایای قابیل خوشش نیامد. خدا همیشه در سراسر کتاب مقدس قربانی حیوانات را ترجیح داده است. قابیل این را نمی دانست، اما می توانست بپرسد. وقتی دید که خدا از میوه ها و سبزیجاتش ناراضی است، می توانست آنها را بفروشد تا یک بره بخرد. در عوض اجازه داد تا خشم در قلبش رشد کند. خدا با قابیل صحبت کرد تا او را تشویق کند، اما قابیل نمی خواست گوش دهد. در عوض اجازه داد آن خشم بسوزد و به تلخی تبدیل شود. قابیل با عصیانیت به برادرش هابیل حمله کرد. راستش را بخواهید، بخشش دیگرانی که به ما گناه می کنند بسیار سخت است. همچنین دریافت نظم و انضباط از مقامات ما زمانی که کار اشتباهی انجام داده ایم دشوار است. برای اینکه بتوانیم بپذیریم و تغییر کنیم نیاز به نرمی در قلبمان دارد. قابیل فکر می کرد که هابیل را به خاطر محبوبیت خدا در یک سلول زندان می گذارد. با این حال، در عوض، او خود را به زندان انداخت، تا پایان عمر! آیا می توانید به جای تلخی ملایمت را برای زندگی خود انتخاب کنید؟ آیا اجازه نمی دهید دیگران قلب شما را بدزدند؟ این کاملاً به شما بستگی دارد که چقدر به دیگران اجازه می دهید مصرف کنند.

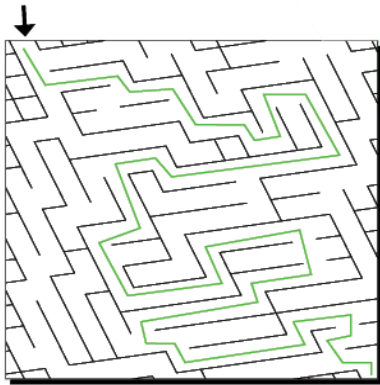
بازی آیه خاطره 10

سوالات خود را بپرسید

هر کلمه از آیه خاطره را روی یک تکه کاغذ بنویسید. هر قطعه را به پشت هر کودک بچسبانید. از آنها بخواهید از یکدیگر سؤال کنند تا بفهمند کدام کلمه در پشت آنها وجود دارد و سپس به ترتیب ردیف کنند.



جواب پازل 10



م	ی	و	ه	ا	ل	ی	ب	ا	ق	
ی	ت	ب	ن	د	ی	د	ز	د	م	ف
م	ل	ی	ت	م	ا	د	خ	ل	م	ل
ق	ت	م	ن	ت	ل	م	ت	ل	ه	ش
ی	ل	ل	م	ل	ا	ب	ا	ی	ا	د
ن	ی	د	ی	ت	د	ی	آ	ت	ن	ه
ا	ج	ر	م	س	م	ن	ی	ع	گ	م
ب	ن	م	د	ت	ج	ت	ف	ی	ل	ل
ر	ا	ر	ل	ی	ت	ن	ل	س	ب	ی
ق	د	ت	ل	خ	ی	م	ر	ی	و	م
س	ل	و	ل	ز	ن	د	ا	ن	ی	ی

- ملایمت - تلخی - سلول زندان - قفل شده - درد - مردم - بی گناه - رنجش - انجیل - عیسی - قابیل - ابل - قربانی - خدا - میوه ها - گوسفندان - دزدیدن - قلب

پرسش و پاسخ 10



من از تلخی رها شده ام! هوای!!!

وقتی تلخ (منظور بد اخلاق) هستیم چه شکلی می شود؟ آیا کسی را تلخ می شناسید؟

نام افراد را ذکر نکنید، بلکه فقط در مورد اعمال آنها صحبت کنید که تلخی آنها را نشان می دهد. این می تواند فریاد زدن بر سر دیگران، امتناع از خدمات رسانی به شخصی در فروشگاه آنها، بدگویی در مورد شخص دیگری پشت سر آنها و غیره باشد.

آیا کسی به شما ظلم کرده است؟ آیا توانسته ای آنها را ببخشی؟
در مورد این ایده از درس بحث کنید که اگر نبخشیم، به آن شخص اجازه می دهیم شادی، امید و اعتماد ما را نیز بدزدد. چقدر دوست داریم آن آدم های بد بتوانند از ما بدزدند؟
آیا کسی که به من ظلم کرده می تواند در بهشت هم به من آسیب برساند؟
کتاب مقدس می گوید که ما در بهشت برای اعمالمان در اینجا بر روی زمین پاداش خواهیم گرفت. اگر کسی باعث شود که ما از انجام کارهای خوب برای دیگران در اینجا روی زمین دست برداریم، به طور مؤثر، پاداش ما در بهشت کمتر خواهد بود! بنابراین، بله، مردم روی زمین می توانند زندگی شما را در ابدیت تحت تأثیر قرار دهند.

در رینگ 10

کسی را انتخاب کنید که از او عصبانی هستید و او را ببخشید. لحظه ای به دعا بپرداز و با صدای بلند بگویید: «تو را می بخشم».



درس یازده

خودکنترلی در مقابل وسوسه ها

داستان کتاب مقدس: عیسی وسوسه شده است

متی 4: 1-11

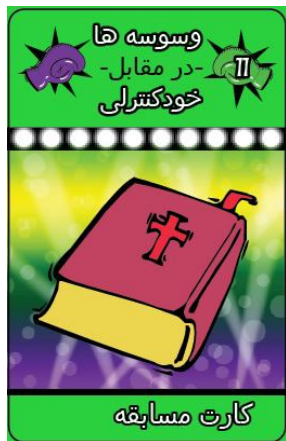
11 **نمایشنامه**

ویلی عاقل و فرد احمق مجبور بودند در مدرسه امتحان بدهند. فرد به یاد آورد که به جای مطالعه می تواند بازی کند و سپس به آزمون ویلی نگاه کند. او فکر کرد: «اگر آزمایش ویلی را کپی کنم، هیچ کس متوجه نخواهد شد، و اگر انجام دهد، فقط قول می‌دهم که دیگر این کار را انجام ندهم.»

11 **آیه خاطره**

وسوسه‌هایی است که برای تمام مردم پیش می‌آید، اما خدا به وعده‌های خود وفا می‌کند و نمی‌گذارد شما بیش از توانایی خود وسوسه شوید. خدا همراه با “هر وسوسه‌ای راهی هم برای فرار از آن فراهم می‌کند تا بتوانید در مقابل آن پایداری کنید”
اول قرن‌تیا 10:13

11 **درس اصلی**



مبارزه واقعی در دنیای معنوی برای قلب ماست. خدا دل ما را می خواهد و شیطان این را می داند. به او اجازه داده شد تا در زمین پرسیه بزند، و همراه با شیاطین خود، و او در تلاش است تا قلب ما را بدزدد. یکی از راه هایی که دشمن به ما حمله می کند وسوسه گناه است. ما با خویشتن داری با وسوسه مبارزه می کنیم.

داستان امروز کتاب مقدس در مورد عیسی مسیح است، زیرا او قبل از شروع خدمت خود با وسوسه های شیطان روبرو شد. روح القدس عیسی را به صحرا هدایت کرد و در آنجا توسط شیطان وسوسه شد. 40 روز روزه گرفت و بسیار گرسنه بود. شیطان ابتدا او را با پیشنهاد این که فقط از سنگ ها نان درست کند، او را وسوسه کرد! اما عیسی در برابر این وسوسه ایستادگی کرد و از کتاب مقدس در مورد شیطان نقل کرد که گفت ما فقط با نان زندگی نمی کنیم. سپس شیطان عیسی را به بالاترین نقطه معبد برد و به او پیشنهاد کرد که خود را پایین بیاندازد زیرا فرشتگان او را

نجات خواهند داد! عیسی دوباره با کتاب مقدس شیطان را سرزنش کرد و گفت که ما نباید خدا را آزمایش کنیم. شیطان بار سوم عیسی را از کوهی بلند آزمایش کرد. اساساً شیطان گفت: مرا بپرستید و من این همه پادشاهی و شکوه آنها را به شما خواهم داد. دوباره عیسی با استناد به کتاب مقدس و گفتن اینکه ما فقط باید خدای یگانه را پرستش کنیم، در برابر وسوسه ایستادگی کرد. پس از سومین وسوسه، شیطان عیسی را ترک کرد و فرشتگان آمدند و به او توجه کردند.

مقاومت در برابر وسوسه ها می تواند بسیار دشوار باشد و نیاز به خودکنترلی دارد. همه

ما با خودخواهی در قلب خود به دنیا می آییم. برای ما طبیعی است که از خود دفاع کنیم، غذای بیشتری برای خودمان مصرف کنیم یا برای شهرت شخصی تلاش کنیم. با این حال، با خویشتن داری و آگاهی از متون مقدس، می توانیم با این وسوسه ها مبارزه کرده و پیروز شویم، درست مانند عیسی. او اجازه نمی داد خواسته های شخصی اش وارد ذهنش شود. در عوض، عیسی در حالی که با کتب مقدس با شیطان می جنگید، خویشتن داری کامل داشت. متأسفانه دشمن می تواند دقیقاً بفهمد که ما چه می خواهیم و ما را با آن وسوسه کند. عیسی می فهمد زیرا کاملاً انسان بود و در برابر وسوسه های قوی مقاومت کرد! اما او موفق شد و گناه نکرد! آیا مایلید کنترل خواسته های خود را حفظ کنید و با وسوسه هایی که سر راهتان قرار می گیرد مبارزه کنید؟

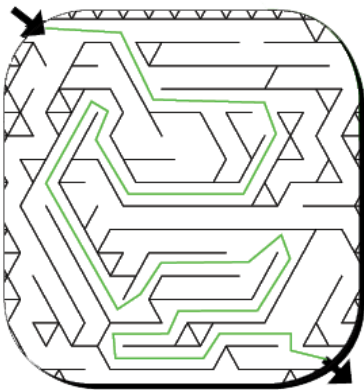
بازی آیه خاطره 11

سیب زمینی داغ



از هر کیسه ای به عنوان «سیب زمینی داغ» استفاده کنید و در داخل تکه های کاغذی قرار دهید که تک تک کلمات مربوط به آیه حافظه روی آنها نوشته شده است. از بچه ها بخواهید در یک دایره بزرگ بنشینند و موسیقی را شروع کنند. وقتی موسیقی قطع می شود، آن کودک یک تکه کاغذ را از کیسه کاغذی بیرون می آورد. می توانید آن را به تخته بچسبانید یا فقط آن را روی زمین در وسط دایره قرار دهید. از بچه ها بخواهید با هم کار کنند تا آیه خاطره را به ترتیب صحیح قرار دهند.

جواب پازل 11



ف	ش	ق	ت	د	ا	ب	ع	ش	ا	ه	ه	س	و	س	و	ت
ر	ا	ن	س	ا	ن	ج	ج	ه	د	ن	ی	ا	ش	ج	س	ش
ش	ش	ل	ش	ق	ب	ا	ش	ل	ز	ق	ه	ا	ج	ت	ج	ا
ت	ا	ب	د	ئ	ه	ج	ن	ه	ل	ا	ل	ن	ش	ج	ا	ه
گ	ج	ق	س	ب	ل	ق	ا	ز	ق	ا	ج	د	س	ش	د	ب
ا	ش	ی	ا	ج	ع	ش	ط	و	ج	ه	ا	ا	ر	خ	ل	ل
ن	ع	ل	ش	ج	ق	م	ی	ر	ت	م	و	ا	ق	م	گ	ق
ر	و	ج	م	ق	د	س	ش	ی	ل	ر	ت	ن	ک	د	و	ع

- دنیا - شیطان - اجازه - خدا - قلب ها - عیسی - وسوسه ها - روح مقدس - روزه - گرسنه - معبد - فرشتگان - تست شده - عبادت - مقاومت - خود کنترلی انسان

پرسش و پاسخ 11

تسلیم شدن در برابر وسوسه ها چه چیز بدی دارد؟

کتاب مقدس می گوید که ما روزی در بهشت به خاطر اعمالمان در اینجا بر روی زمین پاداش خواهیم گرفت. وقتی تسلیم دشمنی می شویم که ما را به گناه وسوسه می کند، به او اجازه می دهیم تا پاداش هایی را بدزد که روزی مال ما خواهد بود. تسلیم شدن در وسوسه ها مانند اجازه دادن به دزد برای ورود به خانه ما و سرقت وسایل ما است. ممکن است سارقان برای سرقت وارد خانه ما شوند، اما ما معمولاً آگاهانه به آنها اجازه نمی دهیم!

اگر کسی از من متنفر باشد چه؟

غلبه بر برخی وسوسه ها دشوار است، زیرا بر خلاف همه دوستان ما در مدرسه است. وقتی قرار است دیگران به ما بخندند یا ما را مسخره کنند زیرا ما متفاوت هستیم، وسوسه ها بسیار سخت می شوند. نکته مهمی که باید به خاطر بسپاریم این است که آن دوستان، اینجا روی زمین یا بهشت در کنار ما نخواهند بود. با این حال، ما به تنهایی در برابر خدا مسئول اعمال خود هستیم و روزی در برابر تخت او خواهیم ایستاد تا پاسخگوی هر کاری که کرده ایم یا گفته ایم.

چه چیزی سبب تاخیر در جواب خدا میشود؟

عیسی باید تعجب کرده باشد که چرا باید اینقدر منتظر ماند تا خدا او را در بیابان نجات دهد. چرا باید به تنهایی با دشمن

روبرو می شد؟ حقیقت این است که وقتی صبر کردن را یاد بگیریم قوی تر می شویم. همچنین خدا می خواهد که یاد بگیریم خودمان با دشمن بجنگیم. قرار نیست خدا همیشه فرشتگان را برای دفاع از ما بفرستد. خدا از ما می خواهد که آنقدر قوی باشیم که بتوانیم از خود دفاع کنیم و بتوانیم از دیگران دفاع کنیم.

در رینگ 11

در برابر یک وسوسه مقاومت کنید، و اگر می توانید، مانند عیسی از کتاب مقدس استفاده کنید. کنترل خواسته های خود را حفظ کنید و به خود اجازه ندهید که تسلیم آن وسوسه شوید.





درس دوازده

خودکنترلی در مقابل دروغگویی

داستان کتاب مقدس: یعقوب برکت عیسو را می دزدد

پیدایش 1:27-36

نمایشنامه 12

ویلی خردمند و فرد احمق آماده رفتن به مدرسه یکشنبه بودند، اما فرد نمی خواست برود زیرا از کنار یک بازی فوتبال رد می شدند. پس گفت معده درد دارد. سپس پدرش یک داروی بسیار بد مزه بیرون آورد و یک قاشق بزرگ از آن را به او داد.

آیه خاطره 12

” زبان دروغگو از مخاطبانش نفرت دارد و می‌خواهد به آنها آسیب برساند. سخنان ریاکار چیزی جز خرابی به بار نمی‌آورد“

امثال 26:28

درس اصلی 12



مبارزه این هفته ما خودکنترلی در برابر دروغگویی است. متأسفانه، همه ما در برهه‌ای از زندگی خود با دروغگویی مبارزه کرده‌ایم. خدا از ما می‌خواهد که با او، خود و دیگران صادق و راستگو باشیم. اغلب اوقات ما به والدین یا معلمان مدرسه خود دروغ می‌گوییم زیرا می‌خواهیم از مجازات اعمال خود جلوگیری کنیم. شاید در راه مدرسه در حال تقلب یا بازی گرفتار شدیم. ما نمی‌خواهیم تنبیه شویم، بنابراین داستانی درست می‌کنیم که درست نیست، تا دچار مشکل نشویم.

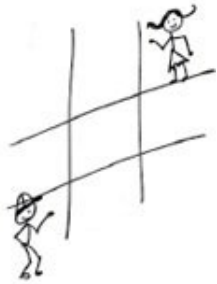
در داستان امروز کتاب مقدس، یعقوب به پدرش دروغ گفت تا برکت برادرش را بدزدد. پدرشان پیر می‌شد و می‌خواست این نعمت سنتی را قبل از مرگش منتقل کند. در آن زمان اسحاق دیگر خوب نمی‌دید. او پسر بزرگ خود عیسو را نزد خود خواند و به او گفت که به شکار برود و برای او غذای عالی تهیه کند، زیرا وقت آن رسیده بود که نعمت ارث را به او منتقل کند.

ربکا به حرف شوهرش گوش می‌داد. او پسرش یعقوب را بیشتر از عیسو دوست داشت. بنابراین او با یعقوب برنامه ریزی کرد که به اسحاق دروغ بگوید تا برکت را از عیسو بدزدد. یعقوب به سرعت دو بز را گرفت، کشت و به مادرش داد تا غذای افسانه‌ای را آماده کند. از آنجایی که عیسو مردی بود که روی پوستش موهای زیادی داشت و یعقوب پوستی صاف داشت، بازوها و گردن یعقوب را با پوست بز پوشاندند تا شبیه عیسو به نظر برسند. به یاد داشته باشید که پدر آنها، اسحاق، دیگر خوب نمی‌دید. بنابراین او فقط بازوهای یعقوب را لمس کرد و وقتی بازوی پر پشم را احساس کرد، تصور کرد که باید عیسو باشد! یعقوب نیز لباس عیسو را می‌پوشید تا بوی برادرش را نیز بگیرد. این دروغ جواب داد و اسحاق معتقد بود که با پسر بزرگش عیسو صحبت می‌کند. با این حال، پس از پایان همه چیز، عیسو به قدری از یعقوب عصبانی شد که شروع به برنامه ریزی برای کشتن او کرد!

يعقوب مجبور شد از خانه خود فرار کند و با عمويش در مکان های دور زندگی کند. او سال ها قادر به بازگشت به خانه نبود! حقيقت اين است که اگر شروع کنیم به دروغگویی، همیشه مشکلی پيش روی ما خواهد بود. بسياری از ما وسوسه می شويم که به والدين، معلمان، ديگر مقامات يا حتی خدا دروغ بگويم. اما خدا می تواند همه چیز را ببيند. او می داند چه زمانی دروغ می گويم و چه زمانی راست می گويم. آيا از خودکنترلی در زندگی خود استفاده می کنید و حقيقت را می گويد؟

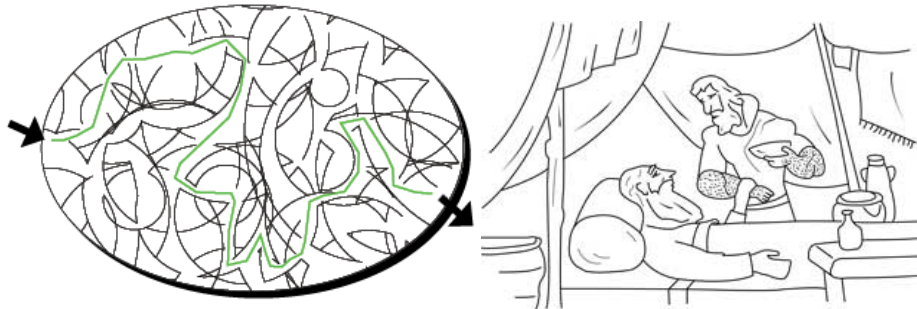
بازی آيه خاطره 12

تیک تاک پا



بازی Memory Verse Tic-Tac-Toe بسیار آسان است و مطلقاً نیازی به برنامه ریزی قبلی ندارد. برای بازی، 3 ردیف از 3 صندلی را در مرکز کلاس خود ردیف کنید تا از آن به عنوان تخته تیک تاک استفاده کنید. اگر در کلاس درس خود از صندلی استفاده نمی کنید، می توانید صفحات کاغذی یا کاغذی را روی زمین قرار دهید تا از آن به عنوان تخته تیک تاک استفاده کنید. همانطور که هر یک از اعضای تیم آيه حافظه خود را به درستی تکرار می کند، از آنها بخواهید یک فضای روی تخته تیک-تاک-تو انتخاب کنند و در آنجا بنشینند یا بایستند. اولین تیمی که تیک تاک تو را بدست آورد برنده می شود.

جواب پازل 12



د	س	و	ت	ن	ن	ت	ل	ا	ه	د	ش	ه	ی	ب	ن	ت
ر	ا	ل	ت	ا	ی	ا	ب	و	د	س	ب	و	ق	ع	ی	و
و	و	س	ب	و	گ	د	ت	ا	ع	ی	س	ی	ا	س	ل	ا
غ	م	و	د	ا	ر	ر	ل	س	و	ل	ق	د	ا	ص	ا	د
د	ا	س	ت	ا	ن	و	ب	ا	و	ل	ب	ا	س	ه	ا	خ
خ	و	د	ک	ن	ت	ر	ل	ی	و	د	و	گ	ت	س	ا	ر

خودکنترلی - صادق - راستگو - دروغ - والدين - دوستان - تنبيه شده - داستان - يعقوب - عیسی - برکات - وعده - مودار - لباس ها - خدا

آیا واقعاً باید همیشه صادق باشیم؟

صداقت بهترین است. اگر بخواهیم دیگران را سرزنش کنیم، رشد نخواهیم کرد و به مسیحیان قوی ای تبدیل نخواهیم شد که خدا می خواهد. اگر بگوییم کاری را انجام داده ایم در حالی که نکرده ایم، فقط به دردرس بیشتری می‌افزاییم. صادق بودن با خدا و دیگران باعث رشد و بلوغ ما در مواقعی که نیاز به نظم و انضباط داریم، می شود و همچنین ما را از گرفتار شدن در مشکلات بیشتر باز می دارد.

آیا درست بودن مهم است؟

اگر شخص دیگری را به دردرس می اندازید، صداقت همیشه خوب نیست. خدا نیازی ندارد که ما به دیگران بگوییم و آنها را به دردرس بیاندازیم. گاهی اوقات مهم نیست که حق با ماست. ما همچنین برای مهربانی با دیگران، حتی زمانی که آنها لیاقت آن را ندارند، به خودکنترلی نیاز داریم.

از دروغ گفتن چه دردسری دیده ای؟

یعقوب مجبور شد سال ها خانه اش را به خاطر دروغش ترک کند. آیا از دروغی که گفته اید دچار مشکل شده اید؟ از دانش‌آموزان بخواهید داستان‌های شخصی خود را به اشتراک بگذارند، و به همه یادآوری کنید که قرار نیست در جای دیگری درباره دانش‌آموزان دیگر صحبت کنند. آنچه در کلاس به اشتراک گذاشته می شود باید مخفی بماند.

در رینگ 12

همه دروغ می گویند، حتی اگر برخی فقط کمی دروغ گفته باشند. به دروغی که امسال گفته اید برگردید و فکر کنید. پیش آن شخص بروید، حقیقت را به او بگویید و به او بگویید که از دروغ گفتن متاسفید.





درس سیزده

خودکنترلی در مقابل تنبلی

داستان کتاب مقدس: سازندگان عاقل و احمق

متی 24:7-27

13 **نمایشنامه**

ویلی خردمند و فرد احمق در حال ساختن با چند بلوک پلاستیکی بودند که به عنوان هدیه دریافت کرده بودند. ویلی تمام دستورالعمل ها را خواند، اما فرد تصمیم گرفت بدون پیروی از آنها بسازد. بعداً ویلی با دوستان دیگرش بازی کرد و فرد همچنان در تلاش بود تا نحوه استفاده از بلوک ها را بیابد.

13 **آیه خاطره**

”بنابر این کسی که بداند نیکی چیست و نیکی نکند، گناه کرده است“

یعقوب 4:17

13 **درس اصلی**



اکنون به پایان مطالعه امسال در مورد میوه روح نزدیک شده ایم! فقط یک درس داریم: خودکنترلی در برابر تنبلی. بسیار هیجان انگیز است که فکر کنیم اگر با میوه روح به عنوان یک چیز بسیار مهم در زندگی خود رفتار کنیم و روی هر میوه سخت کار کنیم، گویی در حال یادگیری یک ورزش هستیم، می توانیم به "ناک اوت" و "ناک اوت" برسیم و برنده مسابقات دعای ما این است که هر یک از شما در طول سال بارها برنده شوید!

برای پیروزی در برابر تنبلی، باید کنترل خواسته های خود را به دست آوریم و زمانی که خسته می شویم تسلیم نشویم. تنبلی زمانی است که ما حتی با وجود داشتن توانایی عمل نمی کنیم یا تلاش نمی کنیم. آیا زمینه ای در زندگی شما وجود دارد که توانایی موفقیت در آن را داشته باشید، اما اینطور نیستید؟ آیا ممکن است در آن زمینه تنبلی کرده باشید؟ ممکن است به نظرمان برسد که تنبلی گناه کوچکتری است و آنقدرها هم بد نیست. اما اگر آنچه را که می دانیم خدا از ما می خواهد، انجام

ندهیم، زیرا خودکنترلی برای مبارزه با تنبلی خود نداریم، اطاعت نکرده ایم. اگر به خاطر مخالفت با خدا نافرمانی کنیم، یا به دلیل تنبلی در اطاعت از او نافرمانی کنیم، نتیجه یکسان است. انجام ندادن خواسته های خدا باعث می شود که بنای خود را با پایه ای از شن و ماسه بسازیم.

داستان امروز کتاب مقدس درباره سازندگان عاقل و احمق است که عیسی در پایان موعظه روی کوه درباره آنها صحبت می کند. عیسی می گوید هر کسی که سخنان او را می شنود و آنها را

عملی می‌کند، مانند مرد حکیمی است که خانه خود را بر روی صخره بنا کرده است. وقتی طوفان می‌آید، خانه محکم می‌ایستد. اما کسانی از ما که آنچه عیسی می‌گوید را انجام نمی‌دهیم، مانند افراد احمقی هستیم که خانه خود را روی شن و ماسه ساخته‌اند. وقتی طوفان می‌آید، خانه آنها با یک تصادف بزرگ سقوط می‌کند.

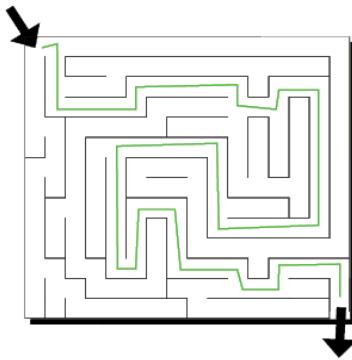
ممکن است بخواهیم این مثل هشدار برای کسانی باشد که به خدا ایمان ندارند. ممکن است بخواهیم بگوییم کسانی از ما که در یک کلیسای مسیحی شرکت می‌کنیم، روی صخره می‌سازیم. اما این چیزی نیست که عیسی می‌گوید. عیسی به ما می‌گوید که این مثل در مورد کسانی است که واقعاً آنچه را که او خواسته انجام می‌دهند. برای کسانی از ما که معتقدیم عیسی مسیح پسر خداست و در کلیساهای مسیحی شرکت می‌کنیم، این بسیار مهم است. ما نباید اجازه دهیم تنبلی ما را از اطاعت از دستورات عیسی باز دارد. زیرا حتی تنبلی می‌تواند ما را از ساختن پایه هایمان بر روی سنگ باز دارد! آیا تصمیم می‌گیرید با تنبلی خود مبارزه کنید تا بتوانید زندگی خود را بر روی سنگ بنا کنید؟ آیا می‌خواهید وقتی طوفان‌ها و روزهای سخت به سراغتان می‌آیند، زندگی‌تان ثابت بماند و از هم نپاشد؟ اگر پاسخ شما "بله" است، پس باید آنچه عیسی دستور می‌دهد را انجام دهید.

بازی آیه خاطره 13



یک بیت را پیدا کنید یا ایجاد کنید و آیه را در جایی که دانش‌آموزان می‌توانند آن را ببینند، بنویسند. از دانش‌آموزان بخواهید با استفاده از کلمات این آیه یک آهنگ رپ برای موسیقی ایجاد کنند. می‌توانید به‌عنوان یک گروه شروع کنید، فقط پسرها، فقط دخترها را انجام دهید، و در نهایت در صورت تمایل به یک دانش‌آموز اجازه دهید. بچه‌ها آن را دوست خواهند داشت!

جواب پازل 13



س	ا	م	ی	ل	ت	خ	ن	ا	د	ن	ز	ا	س
ر	ن	م	ه	ن	ه	ط	م	ن	ر	ی	ن	خ	ت
ک	ب	ه	ر	ی	م	ه	ر	ب	ق	ر	ی	ب	ن
ش	م	ل	ق	ل	و	ب	ع	ه	ت	م	ر	ت	ف
ی	ب	ب	ر	م	ه	ی	ل	ا	ح	م	ا	ن	د
ن	ن	ه	ش	ن	ت	م	ق	ق	م	ن	ق	ا	ا
ت	م	ا	س	ب	ق	ه	ب	ل	ر	ر	ن	و	ص
خ	و	ک	ن	ر	ت	ل	ه	ت	س	ن	ر	ب	ت

میوه - روح - خود کنترل - تنبلی - مهم - بردن - مسابقه - امیال - خسته - توانایی - سرکشی - احمقانه - عاقل - سازندگان - خطبه - سنگ - شن - تصادف -



آیا حفظ خطبه در کوه شما را از ساختن روی شن باز می دارد؟

نه این قسمت از کتاب مقدس به وضوح بیان می کند که راه ساختن بر روی صخره این است که آنچه عیسی دستور می دهد انجام دهد، نه حفظ آنچه او دستور می دهد.

چگونه می توانید پایه خود را بر روی سنگ بسازید؟

ممکن است باور داشته باشید که باید دشمنان خود را دوست داشته باشید، اما این کافی نیست. ممکن است به خاطر بسپارید که باید دشمنان خود را دوست داشته باشید، اما این نیز کافی نیست. در واقع انجام کاری برای نشان دادن اینکه دشمنان خود را دوست دارید در واقع ساختن بر روی سنگ است.

امسال در چند مبارزه مسابقه پیروز شده اید؟

با دانش آموزان وقت بگذارید و کل درسها و «دعواهای مسابقه» را مرور کنید. ببینید چند نفر از آنها تکالیف خود را انجام دادند. دانش آموزان خود را برای هر تکلیف تکمیل شده و چند بار انجام دادن آن تشویق کنید. برای هر دانش آموز با صدای بلند تشویق کنید.

با انتخاب کاری که نمی خواهید انجام دهید، با تنبلی خود در این هفته مبارزه کنید. حتماً آن را کامل کنید و شهادت خود را با یک دوست به اشتراک بگذارید.



www.childrenareimportant.com

info@childrenareimportant.com

WhatsApp: +52 1 55 4219 0047

+52 1 55 1573 2969

